



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



قسم از مغز

اہل بیت

سید محمد مهدی حسینی قمی

تحقیق و تصحیح: علی اشرف عبدی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# قم از منظر اهل بیت علیهم السلام

نویسنده:

محمد مهدی حسینی قمی

ناشر چاپی:

زائر - آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	قم از منظر اهل بیت علیهم السلام
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	شناسنامه
۱۳	فهرست مطالب
۱۸	مقدمه پژوهشکده
۲۰	مقدمه
۲۴	یادآوری:
۲۶	آغاز
۲۸	قم معدن شیعیان
۳۰	قم باب الجتّه
۳۲	حجت بودن قم و اهل آن بر مردم
۳۴	قم معدن علم
۳۶	قم توقفگاه کشتی نوح علیه السلام
۳۶	قم شهر برگزیده
۳۷	برداشته شدن بلا از قم
۳۷	وَرادِهار، مکانی خوب
۳۸	قم موضعی مناسب
۳۸	دفع بلا از قم...
۳۹	اهل قم باران ما
۴۰	قم کاشانه آل محمد صلی الله علیه و آله
۴۰	قم، جایگاه فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام
۴۲	خوشا به حال اهل قم

- ۴۲ ..... پناهگاه بودن قم
- ۴۳ ..... قم پناهگاه شیعیان
- ۴۴ ..... حوادث قم، قبل از ظهور
- ۴۶ ..... قم خاستگاه انقلاب
- ۴۷ ..... اهل قم یاران امام زمان (عج)
- ۴۸ ..... اهل قم، شیعیان برگزیده
- ۴۹ ..... اهل قم، مصداق آیه قرآن
- ۵۰ ..... قم حرم اهل بیت علیهم السلام
- ۵۱ ..... قم، سرزمین رانده شدن ابلیس
- ۵۱ ..... اهل قم نگهبان دین
- ۵۲ ..... قم، شهر بی بلا
- ۵۳ ..... دوری بلا از قم به برکت محدثین
- ۵۳ ..... ملک الهی، نگهبان قم
- ۵۵ ..... قم خاستگاه یاران حضرت مهدی (عج)
- ۵۶ ..... قم سرزمین حشر و محاسبه
- ۶۰ ..... مقدس بودن خاک قم
- ۶۱ ..... قم دارالمؤمنین
- ۷۱ ..... علت نام گذاری قم
- ۷۳ ..... قم، مجتمع مؤمنین و منتظرین امام زمان (عج)
- ۷۴ ..... قم اهل بیت نجبا
- ۷۵ ..... قم اقامتگاه نجبا
- ۷۷ ..... حضرت معصومه علیها السلام شفیعه شیعیان
- ۷۸ ..... بهشت برای زائرین حضرت معصومه علیها السلام
- ۷۸ ..... قم، محلی امن
- ۷۸ ..... سه در از بهشت برای اهل قم
- ۷۹ ..... سلام و رحمت خدا بر اهل قم

۸۰ ..... ولایت پذیری نواحی قم

۸۱ ..... اهل قم، شیعیان حقیقی

۸۲ ..... آموزش اهل قم و اهل آبه

۸۶ ..... کتاب نامه

۸۷ ..... درباره مرکز

سرشناسه: حسینی قمی، سید محمد مهدی

عنوان و نام پدید آور: قم از منظر اهل بیت علیهم السلام/محمد مهدی حسینی قمی؛ تحقیق و تصحیح علی اشرف عبدی.

مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: [۷۶] ص.

فروست: پژوهشکده علوم و معارف قرآنی علامه طباطبایی (ره)؛ ۳۴.

شابک: ۱۰۰۰۰ ریال ۳-۱۳۱-۱۸۰-۹۶۴-۹۷۸:

یادداشت: کتابنامه: ص. [۷۶].

موضوع: معصومه (س) بنت موسی کاظم (ع)، - ۲۰۱؟ ق.

موضوع: قم -- احادیث

شناسه افزوده: عبدی، علی اشرف، ۱۳۴۸ -

شناسه افزوده: پژوهشکده علوم و معارف قرآنی علامه طباطبایی (ره)

شناسه افزوده: آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره: BP۲۶۴/۳ / ح ۵ق ۸ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۶۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۶۳۰۲۴

ص: ۱

اشاره



بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

قم از منظر اهل بیت علیهم السلام

محمد مهدی حسینی قمی

تحقیق و تصحیح علی اشرف عبدی

ص: ۳

پژوهشکده علوم و معارف قرآنی علامه طباطبائی رحمه الله -

حسینی قمی، سید محمد مهدی.

تحقیق و تصحیح: عبدی، علی اشرف، ۱۳۴۸.

قم از منظر اهل بیت علیهم السلام - علی اشرف عبدی -

قم؛ زائر، ۱۳۸۹.

۷۷ ص ..... ۳-۱۳۱-۱۸۰-۹۶۴-۹۷۸

کتابنامه ص ۷۷ و همچنین بصورت زیرنویس.

۱. قم - احادیث. ۲. شیعه - ایران - قم.

ع ۲ ۷۹۵ م / ۲۱۱۳ DSR

شماره: ۳۴

پژوهشکده علوم و معارف قرآنی علامه طباطبائی آستانه مقدسه

عنوان: ..... قم از منظر اهل بیت علیهم السلام

تألیف: ..... سید محمد مهدی حسینی قمی

تحقیق و تصحیح: ..... علی اشرف عبدی ....

ناشر: ..... انتشارات زائر

چاپخانه: ..... زائر

نوبت چاپ: ..... اول / بهار ۱۳۸۹

شمارگان: ..... ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ..... ۱۰۰۰ تومان

شابک:..... ۳-۱۳۱-۱۸۰-۹۶۴-۹۷۸

کلیه حقوق برای پژوهشکده علامه طباطبائی رحمه الله محفوظ است.

مرکز پخش: قم / چهارراه شهداء / انتشارات زائر

تلفن: ۷۷۴۲۵۱۹ - ص. پ: ۳۵۹۷-۳۷۱۸۵

ص: ۴

## فهرست مطالب

مقدمه پژوهشکده... ۹

مقدمه... ۱۱

آغاز... ۱۷

قم معدن شیعیان... ۱۹

قم باب الجنّه... ۲۱

حجت بودن قم و اهل آن بر مردم... ۲۳

قم معدن علم... ۲۵

قم توقفگاه کشتی نوح علیه السلام... ۲۷

قم شهر برگزیده... ۲۷

برداشته شدن بلا از قم... ۲۸

وَرآردِهار، مکانی خوب... ۲۸

قم موضعی مناسب... ۲۹

دفع بلا از قم... ۲۹

اهل قم یاران ما... ۳۰

ص: ۵

قم کاشانه آل محمد صلی الله علیه و آله .... ۳۱

قم، جایگاه فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام.... ۳۱

خوشا به حال اهل قم.... ۳۳

پناهگاه بودن قم.... ۳۳

قم پناهگاه شیعیان.... ۳۴

حوادث قم، قبل از ظهور.... ۳۵

قم خاستگاه انقلاب.... ۳۷

اهل قم یاران امام زمان (عج).... ۳۸

اهل قم، شیعیان برگزیده.... ۳۹

اهل قم، مصداق آیه قرآن.... ۴۰

قم حرم اهل بیت علیهم السلام.... ۴۱

قم، سرزمین رانده شدن ابلیس.... ۴۲

اهل قم نگهبان دین.... ۴۲

قم، شهر بی بلا.... ۴۳

دوری بلا از قم به برکت محدثین.... ۴۴

ملک الهی، نگهبان قم.... ۴۴

قم خاستگاه یاران حضرت مهدی (عج).... ۴۶

قم سرزمین حشر و محاسبه.... ۴۷

مقدس بودن خاک قم.... ۵۱

قم دارالمؤمنین.... ۵۲



علت نام گذاری قم.... ۶۲

قم، مجتمع مؤمنین و منتظرین امام زمان (عج).... ۶۴

قم اهل بیت نجبا.... ۶۵

قم اقامتگاه نجبا.... ۶۶

حضرت معصومه علیها السلام شفیعه شیعیان.... ۶۸

بهشت برای زائرین حضرت معصومه علیها السلام.... ۶۹

قم، محلی امن.... ۶۹

سه در از بهشت برای اهل قم.... ۶۹

سلام و رحمت خدا بر اهل قم.... ۷۰

ولایت پذیری نواحی قم.... ۷۱

اهل قم، شیعیان حقیقی.... ۷۲

آمزش اهل قم و اهل آبه.... ۷۳

کتاب نامه.... ۷۷

ص: ۷





«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...»

قرآن کتاب انسان سازی است و بزرگترین معجزه جاوید است، اگر نوع مردم در برابر معجزات فعلی چون شق القمر و تسبیح سنگ ریزه و شفای مریضان و زنده کردن مردگان انگشت تعجب به دندان گرفته و به عجز و ناتوانی خود اعتراف و اقرار می کنند، عالمان و فرهیختگان در برابر قرآن کریم که معجزه قولی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است به خاک افتاده و خدای آنرا پرستش و سجده می کنند و اشک شوق از قلب و دل در برابر عظمت قرآن جاری کرده و گویای آن هستند که «الخواص للقولیه و العوام للفعلیه اطوع».

وجه اعجاز قرآن گرچه در فصاحت و بلاغت آشکار است اما مهمترین رویکرد اعجاز قرآن به معجزات علمی و صرفه یا... نبوده بلکه قرآن کتاب انسان سازی است و تربیت قرآنی، فردی چون حضرت امیر علیه السلام پدید آورده است که فخر کائنات و سرآمد و قطب اولیاءالله است، اعجاز قرآن را باید در معارف بلند آن و در خداشناسی و معرفی اسماء و صفات الهی جستجو نمود، هرگز و هرگز کتابی در معرض توحید که غایت آمال و کعبه آرزوهای اولیاءالله

است به پایه قرآن نمی رسد این همه فیلسوف و متکلم و عارف در طول تاریخ آمده اند و همه ریزه خوار سفره قرآن بوده و هستند و همه در برابر آن سر تعظیم فرود آورده اند.

در همین راستا پژوهشکده علوم و معارف قرآنی علامه طباطبائی رحمه الله با فضل و عنایت خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه شریف) و در پرتو کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که با هدف جذب محققان، مولفان و مترجمان و صاحب نظران زمینه های مختلف علوم و معارف قرآنی جهت استفاده از ظرفیت های موجود انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی به منظور پژوهش و تحقیق در علوم قرآنی، ترویج و تبیین معارف والای قرآن کریم، تدوین کتب و پژوهش های علمی و تحقیقی و تربیت محققان و مدرسان در حوزه های مختلف علوم قرآنی توسط آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در سال ۱۳۸۸ تأسیس گردید و پژوهش های روز آمد را وجهه همت خود قرار داده است.

تأسیس این پژوهشکده از اهداف دیرینه حضرت آیه الله مسعودی خمینی تولیت معظم آستانه مقدسه بوده و با زحمات و تلاش پی گیر و مجدّانه ایشان به انجام رسید و اکنون دست همه ی محققان این عرصه را به گرمی می فشارد. در اینجا لازم است از محقق و مترجم اثر حاضر جناب آقای علی اشرف عبدی که در سامان بخشیدن اثر حاضر تلاش فراوان داشته اند صمیمانه تشکر کنم.

احمد عابدی

ص: ۱۰

سید محمد مهدی حسینی قمی مشهور به «توحید»، زنده در سال ۱۱۱۶ قمری از خطبا و وعاظ مشهور قم و از شاگردان مرحوم قاضی سعید قمی شمرده می شود و دارای دو اثر مکتوب است:

۱. بیاض فلسفی و عرفانی که ظاهراً خود مؤلف، نام آن را «سفینه» نام گذاشته است.

موضوع کتاب، آن گونه که از اسم آن استفاده می شود، مطالب فلسفی و عرفانی است و چون مؤلف، شاگرد قاضی سعید بوده، قهراً باید تحت تأثیر آراء و اندیشه های استاد خود به ویژه در الهیات سلبی باشد. گرچه نسخه ای از این کتاب به دست نیامد، ولی برخی از نسخه شناسان آن را در ضمن مجموعه ای این گونه معرفی کرده اند.

استنساخ این اثر وزین، در تاریخ های مختلف و در مکان هایی مثل قم و اصفهان با خط نسخ و نستعلیق انجام شده است. در این کتاب بیش از سی رساله فلسفی و عرفانی از ابن سینا، قاضی سعید، ملاصدرا، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی، فارابی، میرفندرسکی، عبدالرزاق کاشانی و ابوسلمان سنجری آمده است. علاوه بر این ها از محی الدین عربی و دیگران نیز رسائلی در سفینه درج شده است.

تاریخ نگارش بسیاری از رسائل موجود نیز روشن است؛ مثلاً: رساله «فوائد الرضویه» قاضی سعید در تاریخ چهارشنبه دهه دوم جمادی الاولی ۱۰۸۴ به سرانجام رسیده؛ و یا رساله «مرقات الاسر» قاضی سعید در تاریخ ۱۴ ربیع الاول ۱۰۹۵ پایان یافته است (۱). بنا به نوشته آقای مدرسی در کتاب بیاض، دو مطلب دیگر به چشم می خورد: اول این که بعد از رساله «عروس» ابن سینا مقاله ای تحت عنوان استادی و استنادی آورده است. دوم آن که در پایان کتاب حکایت بنای مسجد جمکران را یاد آور است.

تنها منبعی که از این کتاب یاد کرده، کتاب شناسی آثار مربوط به قم، به قلم آقای مدرسی طباطبایی است که در (ص ۶۴) آورده است: «مجموعه مورد بحث را پیش تر ما در تهران نزد مالک خصوصاً آن دیده بودم و اکنون که برای تدوین این سطور مورد بررسی مجدد و بازبینی قرار می گیرد، نسخه آن متعلق به دوست دانشمند آقای حاج سید محمود آیت الله زاده مرعشی نجفی در قم و جزء کتاب های کتابخانه شخصی ایشان است.»

البته ما در کتابخانه مرحوم آیه الله مرعشی، به نسخه ای از کتاب دسترسی پیدا نکردیم و اگرچه جستجوی لازم برای یافتن آن در سایر کتابخانه ها نیز انجام شد ولی متأسفانه در جای دیگری هم پیدا نشد. ضمناً مرحوم آقابزرگ تهرانی هم در الذریعه فقط بوارق را آورده است، ولی نامی از این کتاب نبرده است.

ص: ۱۲

۲. تألیف دیگر ایشان، کتابی است به نام بوارق که نسخه خطی است و نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه مبارکه فیضیه به شماره ۲۰۳۸ موجود است و در کتاب فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه (۱) به قلم حضرت آیه الله استادی درج شده است.

نسخه دیگر آن در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار قدیم) به شماره ۲۸۶ موجود است و ظاهراً از روی این نسخه خطی که مجموعاً ۶۸ صفحه است، در سال ۱۲۸۷-۱۲۷۵ جناب آقای علی اکبر فیض با خط ثلث یک نسخه نوشته و به اعتضادالسلطنه وزیر علوم وقت داده است که به شماره ۴۹۲۷ کتابخانه ملی ثبت شده است. البته آقای طباطبایی تاریخ کتابت را ۱۲۸۹ ضبط نموده است (۲) و تحقیق و نوشته پیش رو نیز از روی همین نسخه به سرانجام رسیده است.

از آنجا که نسخه قدیمی؛ یعنی نسخه موجود در کتابخانه مدرسه مبارکه فیضیه «الف» نسبت به نسخه دوم (کتابخانه مجلس شورای اسلامی) «ب» تفاوت هایی دارد و تعداد روایات نسخه دوم «ب» نسبت به نسخه اولی «الف» بیشتر است - به گونه ای که تعداد احادیث نسخه اول ۲۸ روایت و تعداد روایات نسخه دوم ۴۳ روایت است - در نتیجه، به علت کثرت روایات و کامل بودن احادیث، نسخه دوم محور تصحیح قرار گرفت و اختلاف نسخ اول در پاورقی روایات بیان گردیده.

در ضمن، منبع اصلی هر دو نسخه، بحارالانوار مرحوم مجلسی می باشد و غرض از تحقیق، احیای نسخه خطی بوده است. به امید آن که خداوند منان

ص: ۱۳

---

۱- (۱) ر. ک: ج ۲، صص ۱۷۱-۱۷۰.

۲- (۲) کتاب شناسی آثار مربوط به قم.

توفیق خدمت را عنایت فرماید.

اما در مجموعه ۲۰۳۸ فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه که یک بخش از آن به نام فضائل قم و اهل قم در این کتاب یاد شده، اصل این مجموعه دارای بخش های ذیل می باشد:

۱. منظومه بحرالعلوم در فقه.

۲. حدیث قدسی، ۱۸ سوره.

۳. تجارب الانسان و انوارالحکمه.

۴. احادیثی از عدّه الداعی ابن فهد حلی.

۵. بوارق در فضیلت قم، احادیثی از بحار [الانوار] مجلسی است.

۶. پراکنده ها از جمله داستان مسجد جمکران قم به نقل از خط صاحب مقامع در حاشیه «نقدالرجال» و او از خط سید نعمت اله و او نیز از «مونس الحزین» صدوق نقل کرده است.

البته بخش آخر کتاب؛ یعنی نقل داستان مسجد جمکران در هر دو کتاب مؤلف آمده است.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی می فرماید: «البوارق: فی فضیله قم، للسید محمد مهدی القمی، قال فی أوّله - بعد ذکر الحمد و الصلاه -: هذه جملة أحادیث فضیله بلده قم و أهلها علی ما نقلها مولانا محمد باقر فی بحار الأنوار و غیره فی کتبهم. یقول جامع الأحادیث محمد مهدی الحسینی القمی.... نسخه الموقوفه فی مدرسه سپهسالار الجدیده تاریخ کتابتها سنه ۱۲۸۹. (۱)»

ص: ۱۴

---

۱- (۱) الذریعه، ج ۳، ص ۱۵۳.

۱. حدیث شماره ۲۵ این نوشته با حدیث شماره ۳۸ تکراری، و هر دو از امام رضا علیه السلام نقل شده است. تفاوت این دو حدیث در این است که کلمه «البلیا» در حدیث دوم بیشتر از حدیث اول است. همچنین در حدیث اول، کلمه آخر «عنهما» است، ولی در حدیث دوم «عنهما» است. و مرحوم مجلسی این دو روایت را در جلد ۶۰ بحارالانوار (ص ۲۱۷ ح ۴۴) و نیز در همان جلد (ص ۲۲۸، ح ۶۱) با همان تفاوت فوق آورده است.

۲. حدیث شماره ۲۷ و ۴۰ که مرحوم مجلسی این دو روایت را در جلد ۶۰ بحار، (ص ۲۱۷، ح ۴۶) و نیز (ص ۲۲۸، ح ۶۳) آورده است. حدیث دوم، قسمتی از روایت اول است گرچه روایت اول از امام صادق علیه السلام ولی روایت دوم از امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

مرحوم مجلسی بعد از ذکر بخشی از قسمت اول حدیث دوم می فرماید: این حدیث تا آخر حدیثی است که از امام صادق علیه السلام (حدیث ۲۷) گذشت و تنها تفاوت در این است که در حدیث اول امام علیه السلام می فرماید: «سلام الله علی اهل قم»، ولی در حدیث دوم فرموده: «صلوات الله علی اهل قم و رحمه الله علی اهل قم»<sup>(۱)</sup>.

۳. مؤلف در بخش هایی از این نوشته، مطالبی را به عنوان مطالب تاریخی

ص: ۱۵

---

۱- (۱) آنچه به نظر می رسد این است که اصل حدیث از امام علی علیه السلام است و امام صادق احتمالاً از جدّ بزرگوارش نقل فرموده و روات در نقل سهل انگاری کرده باشند.



از کتاب «تاریخ قم»، در قسمت آخر کتاب آورده که روایت نیست و مثل پایان حدیث ۳۱ و آخرین مطلب نوشته شده، از تاریخ قم مطالبی را گزینش نموده و در لابه لای همان جملات، روایاتی را در مدح اشعریون که در تاریخ قم موجود است آورده است.

۴. برای دسترسی سریع به روایات، عناوینی انتخاب شده و در داخل قرار گرفته است. علاوه بر آن، در برخی موارد مطالبی که به توضیح و یا اشاره نیاز داشته، داخل قلاب اضافه شده است و در برخی موارد نیز شعر متناسب به ترجمه اضافه شده است. در ضمن این اشعار، بعضاً از لحاظ عروضی و وزن شعر دارای اشکالاتی است که جهت حفظ امانت در نگارش، اصل آن بدون تغییر آورده شده است.

۵. از حجه الاسلام والمسلمین سیدحسن نقیعی که در نسخه خوانی و مقابله این تحقیق، نگارنده را یاری نمودند و نیز از حروفچین محترم جناب آقای محمدرضا هوایی و صفحه آرا آقای محسن زند که تقبل زحمت نمودند، صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم.

پیشاپیش از خوانندگان محترم به ویژه سرورانی که با اظهار نظر و نقد این مجموعه، محقق را مورد تفقد خود قرار می دهند، سپاس گزارم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

قم، جمادی الآخره ۱۴۳۱ ق

علی اشرف عبدی

ص: ۱۶

هذه جملة أحاديث في فضيله بلده قم و أهلها(١)

-على ما نقلها(٢) مولانا محمد باقر في(٣) بحار الأنوار(٤) و غيره في كتابهم-

فقال جامع الأحاديث محمد مهدي الحسيني القمي رحمه الله تعالى:

بسم الله الرحمن الرحيم(٥)

الحمد لله رب العالمين، و العاقبه للمتقين، و الصلاه و السلام على محمد و آله الطيبين الطاهرين.

أما بعد فهذه جملة أحاديث ورد(٧) عن أئمتنا المعصومين في شرافه قم و أهله - على ما ضبطها علمائنا رضوان الله عليهم - و الحمد لله الذي جعلنا من شيعه آل محمّد و من أهل هذه البلده الطيبه و أسأل الله تعالى أن تكون(٨) تلك البلده مقرى حين حياتي و مدفني في مماتي و هو حسبي و نعم الوكيل(٩).

ص: ١٧

١- (١) نسخه «الف»: و شرافه اهلها.

٢- (٢) نسخه «الف»: على ما نقلها الفاضل العالم و التحرير الكامل الماهر.

٣- (٣) نسخه «الف»: في كتابه المشهور بحار الانوار.

٤- (٤) نسخه «الف»: رفع الله درجاته و حشره مع مواليه.

٥- (٥) نسخه «الف»: و به نستعين.

٦- (٦) نسخه «الف»: و آله الطاهرين.

٧- (٧) نسخه «الف»: وردت.

٨- (٨) نسخه «الف»: ان يكون.

٩- (٩) نسخه «الف»: نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير.

این بخشی از احادیث، درباره فضیلت قم و اهل آن است که مرحوم محمدباقر مجلسی در [کتاب] بحارالانوار و غیر او در کتاب های خود آنها را نقل کرده اند. جامع احادیث [گردآورنده احادیث] محمدمهدی حسینی قمی رحمه الله علیه می گوید:

به نام خداوند بخشاینده و مهربان

سپاس خدا را که پروردگار جهانیان است و عاقبت از آن پرهیزگاران است و درود و سلام بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک و طاهرینش.

اما بعد، این دسته ای از احادیثی است که از امام معصوم علیه السلام درباره شرافت قم و اهل آن، بنابر آنچه علمای ما که رضوان خدا بر آنها باد، وارد شده است. و سپاس خدایی که ما را از شیعیان آل محمد و اهل این شهر پاک، قرار داد و از خدای متعال می خواهم این شهر را هنگام زندگی [دنیا] محل سکونت و در هنگام مرگم، مدفنم قرار دهد، و خداوند برای من بهترین و کیل است.

ص: ۱۸

١. قال الحسن (١) بن محمّد بن الحسن، عن عبدالله بن سنان القمى، قال: روانى سعد بن عبدالله بن أبى خلف. عن الحسن بن محمّد بن سعد، عن الحسن علىّ الخزاعى (٢)، عن عبدالله بن سنان: أنه (٣) سئل ابو عبدالله عليه السلام أين (٤) بلاد الجبل؟ فإنه (٥) قد روينا أنه اذا رُدّ إليكم الأمر يخسف (٦) ببعضها، فقال عليه السلام: إنّ فيها موضعاً يقال له: بحر و يسمّى بقم و هو معدن شيعتنا، فأما الرى فويلٌ له من جناحيه و إنّ الأمن فيه من جهه قم و اهله، قيل ما جناحاه؟ قال عليه السلام: احدهما بغداد و الآخر خراسان، فإنه تلتقى فيه سيوف الخراسانيين و سيوف البغداديين، فعجّل (٧) الله عقوبتهم فيهلكهم، فياوى اهل الرى الى قم فيؤويهم اهله، ثم ينقلون (٨) الى موضع يقال له: اردستان. (٩)

ص: ١٩

١- (١) نسخه «الف»: عن الحسن القمى قال روى سعيد بن عبدالله ابى خلف.

٢- (٢) نسخه «الف»: عن الحسن بن الخزاعى.

٣- (٣) فى بحار الأنوار و نسخه «الف»: عن عبدالله بن سنان سئل.

٤- (٤) نسخه «الف»: عن بلاد الجبل.

٥- (٥) فى بحار الأنوار و نسخه «الف»: فأنا.

٦- (٦) فى نسخه «الف»: يخف.

٧- (٧) فى بحار الأنوار: فيُعجّل.

٨- (٨) فى بحار الأنوار: ينتقلون منه.

٩- (٩) بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٢١٢، ح ٢٠؛ تاريخ قم، فى هامشه، ص ١٣٧: مع الاختلاف فى السند والتمتن.

عبدالله بن سنان می گوید: از امام ششم علیه السلام سؤال شد بلاد جبل کجاست؟ زیرا برای ما روایت شده که هرگاه امامت به شما برگردد، بعضی از آن پوشیده شود. حضرت علیه السلام فرمود: در بلاد جبل، جایی [موضعی] است که به آن دریا گفته می شود، و قم نامیده می شود؛ آنجا معدن [کان] شیعیان ماست. اما ری، وای! بر آن از دو سویش. و همانا امنیت ری، از ناحیه «قم» و اهل قم است.

سؤال شد: دو سوی آن کجاست؟ حضرت علیه السلام فرمودند: یکی از آن دو جناح، بغداد و دیگری خراسان است. همانا در ری بین خراسانی ها و بغدادی ها جنگ درمی گیرد [با شمشیر همدیگر را ملاقات می کنند] پس خداوند در عقوبت آنها تعجیل می کند و آنان را به هلاکت می رساند. پس اهل ری به «قم» پناهنده می شوند و اهل قم به آنها پناه می دهند، سپس به جایی منتقل می شوند که به آن اردستان گفته می شود.

٢. و باسناده عن (١) عبدالواحد البصرى ، عن ابى وائل (٢) [بن داود]، عن عبدالله الليثى ، عن ثابت البنانى (٣) ، عن انس بن مالك قال: كنت ذات يوم جالساً عند النبى صلى الله عليه وآله اذ دخل عليه امير المؤمنين (٤) على بن ابيطالب عليه السلام، فقال صلى الله عليه وآله: التى يا ابالحسن (٥) ، ثم اعتنقه وقبّل بين عينيه وقال: يا علىّ! انّ الله عزّ اسمه عرض ولايتك على السماوات فسبقت اليها السماء (٦) الدنيا فزيتها بالكواكب، ثم عرضها على الارضين فسبقت اليها مكّه فزيتها بالكعبه، ثم سبقت اليها المدينه فزيتها بى، ثم سبقت اليها الكوفه فزيتها بك، ثم سبق اليها قم فزينه (٧) بالعرب، وفتح اليه باباً من ابواب الجنه (٨).

ص: ٢١

١- (١) نسخه «الف»: روى عن عبدالواحد البصرى.

٢- (٢) نسخه «الف»: عن ابى وائل.

٣- (٣) فى بحار الانوار فى هامشه: فى اكثر النسخ «ثابته الشبانى» و فى بعضها «ثابت النباتى» و الظاهر انّ الصواب ما اثبتناه فى المتن و هو ثابت بن اسلم البنانى - بضم الموحده منسوب الى بنانه و هم بنو سعد بن لوى - و هو الذى يروى عن انس بن مالك و غيره.

٤- (٤) فى بحار الانوار و نسخه «الف»: دخل عليه على بن ابيطالب عليه السلام.

٥- (٥) نسخه «الف»: فقال صلى الله عليه وآله: يا ابالحسن.

٦- (٦) فى بحار الانوار و نسخه «الف»: السماء السابعة فزيتها بالعرش ثم سبقت اليها السماء الرابعه فزيتها بالبيت المعمور ثم سبقت اليها السماء.

٧- (٧) فى بحار الانوار: فزيتها.

٨- (٨) بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٢١٢، ح ٢١؛ تاريخ قم فى هامشه ص ١٣٨: مع الاختلاف فى السند و المتن و مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ٢٠٤.

انس بن مالک می گوید: روزی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودیم. وقتی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابوالحسن، به سوی من بیا. سپس وی [علی علیه السلام] را بغل گرفت و میان دو چشمش را بوسید، آن گاه حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! همانا خداوند، ولایت تو را بر آسمان ها عرضه نمود، آسمان دنیا بر آن پیشی گرفت؛ خداوند آن را با ستارگان آراست، سپس آن را به زمین ها عرضه کرد و مکه بر آن پیشی گرفت؛ خداوند آن را با کعبه آراست، سپس مدینه بر آن پیشی گرفت؛ خداوند آن را با من آراسته نمود و سپس کوفه بر آن پیشی گرفت؛ خداوند آن را به وسیله تو زینت داد، بعد از آن قم پیشی گرفت؛ خداوند آن را به وسیله عرب آراست، و خداوند دری از درهای بهشت بر آن [قم] گشود.

۳. و عن محمد (۱) بن قتيبة الهمداني (۲) و الحسن بن عليّ الكمسارخاني [الكمشارجاني] (۳) عن عليّ بن النعمان، عن ابي الـكراد عليّ بن ميمون الصيّانغ، عن ابي عبدالله عليه السلام قال: انّ الله احتجّ بالكوفة على سائر البلاد، و بالمؤمنين من اهلها على (۴) غيرهم من اهل البلاد، و احتج ببلده قم على سائر البلاد، و باهلها على جميع اهل المشرق و المغرب من الجنّ و الانس و لم يدع الله قم و اهله مستضعفاً بك، و فقههم الله (۵) و ايدهم، ثم (۶) انّ الدين و اهله بقم ضعيفٌ ذليلٌ (۷)، و لو لا ذلك لاسرع الناس اليه فخرّب قم و بطل اهله، فلم يكن حجّه على سائر البلاد، و اذا كان كذلك لم تستقرّ السماء و الارض و لم ينظروا طرفه عين، و انّ البلايا مدفوعٌ (۸) عن قم و اهله، و سيأتي زمانٌ تكون بلده قم و اهلها حجّه على الخلائق،

ص: ۲۳

- ۱- (۱) نسخه «الف»: روى محمد بن قتيبة الهمداني.
- ۲- (۲) تاريخ قم في هامشه، ص ۱۳۸: «ط»: محمد بن فقيه همداني.
- ۳- (۳) في بحار الانوار هامشه: الكمشارجاني (خ) و في تاريخ قم: «ط»: مكشارجاني.
- ۴- (۴) نسخه «الف»: جملة «على غيرهم من اهل البلاد، و احتج ببلده قم على سائر البلاد و باهلها على» ساقط .
- ۵- (۵) في بحار الانوار و نسخه «الف»: بل و فقههم و ايدهم.
- ۶- (۶) في بحار الانوار: ثم قال انّ الدين.
- ۷- (۷) في بحار الانوار: بقم ذليل.
- ۸- (۸) في بحار الانوار: مدفوعه.



وذلك في زمان غيبه قائمنا عليه السلام الى ظهوره، و لو لا- ذلك لساخت الارض باهلها و ان الملائكه لتدفع البلايا عن قم و اهله، و ما قصده جبارٌ بسوءٍ الا قصمه قاصم من (١) الجبارين و شغلهم (٢) عنهم بداهيه او مصيبه او عدو (٣)، ينسى الله الجبارين في دولتهم ذكر قم و اهله، كما نسوا ذكر الله. (٤)

علی بن میمون صائغ از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می کند که امام علیه السلام فرمود: خداوند به وسیله مردم کوفه بر سایر شهرها احتجاج می کند؛ و به وسیله مؤمنان اهل کوفه بر مؤمنین اهالی سایر شهرها، احتجاج می کند؛ و به وسیله شهر قم بر سایر شهرها، و به وسیله اهل قم بر تمام اهل مشرق و مغرب از جنّ و انس احتجاج می کند. خداوند «قم» و اهل قم را مستضعف قرار نمی دهد [ولایت پذیر هستند] بلکه آنان را موفق داشته، تأیید می کند.

علی بن میمون می گوید: سپس امام علیه السلام فرمود: همانا دین و اهل دین خوارند، اگر چنین نبود مردم به سوی قم هجوم می آوردند و در نتیجه قم خراب می شد، و اهل قم باطل می شدند، و دیگر بر سایر شهرها حجت و برهان نبودند. و زمانی که چنین می شد [اگر این اتفاق می افتاد] آسمان و زمین استقرار نداشتند. و حتی به اندازه یک چشم به هم زدن مهلت داده نمی شدند. و همانا

ص: ۲۴

---

۱- (۱) فی بحارالانوار: قاصم الجبارین.

۲- (۲) فی بحارالانوار: شغلهم عنهم.

۳- (۳) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: و ينسى الله.

۴- (۴) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۲، ح ۲۲؛ تاریخ قم، ص ۱۳۹ و فی هامشه مع الاختلاف فی المتن.

بلاها و گرفتاری ها از قم و اهلس دفع شده است.

به زودی قم و اهل قم بر همه آفریدگان حجت خواهند شد. و این در زمان غیبت قائم ما علیه السلام است تا ظهور آن حضرت (عج). و اگر این نبود، زمین اهلس را فرو می برد و به راستی ملائکه، بلاها را از قم و اهلس دفع می کنند و هیچ جباری [ظالمی] نیت بد به قم نمی کند، جزء این که در هم شکننده ای از جباران [قاصم الجبارین] او را درهم می شکند و ظالم را به وسیله بلای سخت یا مصیبت یا دشمن از بلا رساندن به قم باز می دارد. و خداوند قم و اهلس را از خاطرشان [ظالمان] می برد؛ چنان که آنان خدا را از یاد برده اند.

### قم معدن علم

۴. ثم قال و روی باسانید عن الصادق علیه السلام انه ذکر کوفه، قال: ستخلوا الکوفه من المؤمنین و یأزر العلم کما یأزر الحیة فی جحرها، ثم ینظر العلم ببلده یقال لها قم (۱). و یصیر (۲) معدناً للعلم و الفضل، حتی لا یبقی فی الارض مستضعف فی الدین حتی المخدّرات فی الحجال، و ذلك قرب غیبه قائمنا (۳)، فیجعل الله قم و اهله قائمین مقام الحجّه، و لو لا ذلك لساخت الارض باهلها، و لم یبق فی الارض حجّه، فیفیض العلم منه الی سائر البلاد فی المشرق و المغرب، فیتّم حجّه الله علی الخلق حتی لا

ص: ۲۵

۱- (۱) نسخه «الف»: یقال قم.

۲- (۲) فی بحارالانوار: تصیر.

۳- (۳) فی بحارالانوار: و ذلك عند قرب ظهور قائمنا.

يبقى احد على الارض لم يبلغ اليه العلم و الدين (١)، ثم يظهر القائم و يصير (٢) سبباً لنقمه الله و سخطه على العباد، لأن الله لا ينتقم من العباد الا بعد انكارهم حجته. (٣)

سپس گفت که با چند سند از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت، کوفه را یادآوری نمود و فرمود: به زودی کوفه از مؤمنین خالی می شود، و علم و دانش نهان می گردد، همان گونه که مار در لانه خود پنهان می شود. سپس علم در شهری که به آن قم می گویند ظاهر می شود، و آنجا معدن علم و فضیلت می گردد. حتی در زمین، مستضعف در دین باقی نمی ماند، حتی زنان پرده نشین؛ و این نزدیک ظهور قائم ماست. پس خداوند قم و اهلس را قائم مقام حجت قرار می دهد. و اگر این گونه نبود، زمین اهل خودش را فرو می برد، و در زمین برهان و حجتی باقی نمی ماند، و علم از قم به سایر کشورهای مشرق و مغرب منتشر [سرازیر] می گردد، پس حجت خدا بر همه مردم تمام می شود، تا باقی نماند در زمین کسی که علم و دین به او نرسد باقی نماند. سپس حضرت قائم (عج) ظهور خواهد کرد، و آن حضرت، سبب عذاب و عقوبت خداوند بر بندگان خواهد شد، زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی گیرد، مگر بعد از انکار حجت او.

ص: ۲۶

---

۱- (۱) فی بحارالانوار: الدین و العلم.

۲- (۲) فی بحارالانوار: یسیر.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳، ح ۲۳. و تاریخ قم، ص ۱۴۰ و فی هامشه مع الاختلاف فی المتن.

## قم توقفگاه کشتی نوح علیه السلام

۵. و عن ابی مقاتل الدیلمی نقیب الزی قال: سمعت ابوالحسن علی بن محمد علیهما السلام یقول: انما سمی قم به لانه لما وصلت السفینه الیه فی طوفان نوح علیه السلام قامت، و هو قطعه من بیت المقدس. (۱)

و از ابومقاتل دیلمی که سالار [فرماندار] ری است گفت: شنیدم که ابوالحسن علی بن محمد [امام دهم علیهما السلام] فرمود: همانا قم را بدان جهت قم نامیده اند که وقتی کشتی نوح علیه السلام در طوفان به آن مکان رسید، ایستاد و قم قطعه ای از بیت المقدس است.

محفوظ از بلا بُود این دارالمؤمنین طوفان به دور نوح نیامد در این سرزمین (۲)

## قم شهر برگزیده

۶. و عن الحسن بن یوسف، عن خالد بن ابی یزید (۳)، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ان الله اختار من جمیع البلاد کوفه و قم و تفلیس. (۴)

خالد بن ابویزید از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: خداوند از بین همه شهرها، کوفه، قم و تفلیس را برگزید.

ص: ۲۷

---

۱- (۱) بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳، ح ۲۴؛ تاریخ قم، فی هامشه، ص ۲۴۱: مع الاختلاف فی السند و المتن.

۲- (۲) انوارالمشعشعین، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳- (۳) فی بحار الأنوار: «خالد بن یزید»، و فی هامشه: «فی اکثر النسخ «خالد بن ابی یزید» و الظاهر أنه أبویزید خالد بن یزید العکلی الثقه، فاشته علی بعض النساخ کنیته بکنیه أبیه».

۴- (۴) بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴، ح ۲۵؛ تاریخ قم، فی هامشه، ص ۱۴۱: مع الاختلاف فی السند.

## برداشته شدن بلا از قم

۷. و عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسن بن محبوب، عن ابی جمیلہ المفضل بن صالح حبلی عن رجل (۱) اسدی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: اذا عمّت البلدان الفتن؛ فعلیکم بقم و حوالیها و نواحیها، فانّ البلاء مدفوع عنها. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه فتنه تمام شهرها را فرا گرفت، بر شما باد قم و اطراف و جوانب آن، چون که بلا از آن برطرف [دور] شده است.

## وَرَارِدِهَار، مکانی خوب

۸. و عن احمد بن خزرج بن سعد، عن اخیه موسی بن خزرج بن سعد قال: قال لی ابوالحسن الرضا علیه السلام أتعرف موضعا يقال له وراردهار؟ قلت نعم و لی فیہ ضیعتان، فقال: الزمه و تمسّک به، ثمّ قال - ثلاث [ثلاث] مرّات - : نعم الموضع وراردهار. (۳)

موسی بن خزرج بن سعد می گوید: ابوالحسن الرضا امام هشتم علیه السلام به من فرمود: آیا می شناسی مکان [جایی] را که به آن وراردهار می گویند؟ گفتم: آری، و من دو قطعه ملک دارم، فرمود: آنها را نگه دار و حفظ کن، سپس سه بار فرمود: خوب جایی است وراردهار (۴).

ص: ۲۸

---

۱- (۱) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: عن ابی جمیلہ المفضل ابن صالح، عن رجل عن ابی عبدالله علیه السلام.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴، ح ۲۶؛ تاریخ قم، فی هامشه، ص ۱۴۲: مع الاختلاف فی السند.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴، ح ۲۷؛ تاریخ قم، ص ۱۴۲.

۴- (۴) وراردهار، در ۲۵ کیلومتری کاشان است که معروف به مشهد اردهال می باشد که ظاهراً در قدیم یکی از بلوکات قم بوده است.

۹. و عنه (۱) و عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن خالد البرقی، عن سعد بن سعد (۲) الاشعری، عن جماعه عن ابی عبدالله علیه السلام قال: اذا عمّت البلیا فالامن فی کوفه و نواحیها من السواد و قم من الجبل و نعم للخائف الطائف (۳).

سعد بن سعد اشعری [به نقل] از گروهی، از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: زمانی که بلاها فراگیر [عمومی] شود، پس امنیت در کوفه و اطراف آن از سواد [زمین عراق] و قم از جبل است، و قم مکان [موضع] خوبی برای ترسان سرگردان است.

### دفع بلا از قم....

۱۰. و عن محمد بن سهل (۴) الیسع، عن ایبه عن جدّه، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: اذا فقد الامن من البلاد (۵) و ركب الناس علی الخیول و اعتزلوا النساء و الطیب فالهرب الهرب الهرب عن جوارهم قلت (۶): جعلت فداک الی این؟ قال: الی کوفه و نواحیها او الی قم و حوالیها، فانّ البلاء مدفوع عنها (۷). (۸)

ص: ۲۹

- 
- ۱- (۱) فی بحارالانوار: و عن احمد.
  - ۲- (۲) تاریخ قم فی هامشه ص ۱۴۲: عن سعد بن اسعد.
  - ۳- (۳) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴، ح ۸؛ تاریخ قم، ص ۱۴۲: نسخه خطی «ط» نیک موضعی است مردم خائف را و طائف را. [فی المصدر: نعم الموضع قم للخائف الطائف].
  - ۴- (۴) فی بحارالانوار: سهل بن الیسع.
  - ۵- (۵) فی بحارالانوار: من العباد.
  - ۶- (۶) فی بحارالانوار: فقلت.
  - ۷- (۷) فی بحارالانوار: عنهما.
  - ۸- (۸) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴، ح ۲۹؛ تاریخ قم، ص ۱۴، فی هامشه: مع الاختلاف فی المتن.

محمد بن سهل بن یسع از پدرش، و او از جدش، و او از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: هرگاه از شهرها [یا بندگان خدا] امنیت برداشته شود و مردم بر اسب سوار شوند [آماده جنگ شوند] و از زنان و عطر کناره گیری کنند، پس فرار از جوار و همسایگی آنان است. راوی می گوید: گفتم به کجا فدایت شوم؟ حضرت فرمود: به کوفه و اطراف آن یا به قم و اطراف آن، پس همانا بلا از آن [از آن دو] دفع شده است.

## اهل قم یاران ما

۱۱. و عن یعقوب بن یزید (۱)، عن محمد بن ابی عمیر (۲)، عن جمیل بن درّاج عن زراره (۳) بن اعین عن الصادق علیه السلام قال: اهل خراسان اعلامنا، و اهل قم انصارنا، و اهل کوفه اوتادنا، و اهل هذا السواد منّا و نحن منهم (۴).

زراره از امام صادق علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمود: اهل خراسان پرچم های برافراشته ما، و اهل قم یاران ما، و اهل کوفه استوارکنندگان مکتب ما هستند، و اهل این خطه ها [مناطق] از ما هستند و ما نیز از آنان هستیم.

ص: ۳۰

---

۱- (۱) فی تاریخ قم، ص ۱۴۳: یزید کاتب.

۲- (۲) تاریخ قم، فی هامشه، ص ۱۴۳: محمد بن ابی عمیر صحیح است؛ لکن نسخه «ع» محمد بن ابی عمرو؛ نسخه خطی «ط» محمد بن عمر.

۳- (۳) تاریخ قم: زاره بن دراج؛ در کتابهای رجالی «زراره بن دراج» نیامده است.

۴- (۴) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴، ح ۳۰؛ تاریخ قم فی هامشه، ص ۱۴۳: مع الاختلاف فی السند.

## قم کاشانه آل محمد صلی الله علیه و آله

۱۲. و عن سهل بن زياد، عن عبدالعظيم الحسني عن اسحاق الناصح - مولى جعفر عن ابي الحسن الاول عليه السلام - قال: قم عش آل محمد و مأوى شيعتهم، و لكن سيهلك جماعه من شبابهم بمعصيه (۱) آبائهم، و الاستخفاف و السّخريه بكبرائهم و مشايخهم، و مع ذلك يدفع (۲) عنهم شرّ الاعادي و كل سوء (۳).

عبدالعظيم حسني از اسحاق، ناصح و او از ابوالحسن الاول امام هفتم عليه السلام روايت مي کند که حضرت عليه السلام فرمود: قم، کاشانه آل محمد و مأوى [پناهگاه] شيعيان آنهاست، و لكن به زودي جماعتي از جوانان آن جا هلاک مي شوند، زیرا از پدرانشان نافرمانی مي کنند، و بزرگان خود را کوچک مي شمارند و مسخره مي کنند، و با اين حال، خداوند شرّ هر دشمن و بدی را از آنان دفع مي کند.

## قم، جایگاه فرزندان حضرت فاطمه عليها السلام

۱۳. و عن سهل، عن الحسين محمد الكوفي، عن محمد بن حمزه بن القاسم العلوي، عن عبدالله بن العباس الهاشمي، عن محمد بن جعفر، عن ابيه الصّادق عليه السلام، قال: اذا اصابتم بليّته و عناء فعليكم بقم، فانه مأوى الفاطميين و مستراح المؤمنين، و سيأتي زمانٌ ينفر اوليائنا و محبونا عنّا،

ص: ۳۱

۱- (۱) بحارالانوار في هامشه: بعقوبه (خ).

۲- (۲) في بحارالانوار: يدفع الله.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴، ح ۳۱؛ تاريخ قم في هامشه، ص ۱۴۳: مع الاختلاف في المتن.



ويعبدون منّا، و ذلك مصلحه لهم لكيلا يعرفوا بولائتنا، و يحقنوا بذك دمائهم و اموالهم. و ما اراد احد بقم و اهله سوّاً الا اذله الله و ابعده من رحمته(۱).

محمد بن جعفر امام باقر عليه السلام از پدرش امام صادق عليه السلام نقل می فرماید که حضرت فرمود: هرگاه بلا و رنجی [گرفتاری و سختی] به شما رسید به قم پناه برید، پس همانا قم جایگاه [پناهگاه] فرزندان فاطمه و آسایشگاه [محل استراحت] مؤمنان است. و زمانی برسد که دوستان ما از ما فرار کنند و از ما دور شوند و این کار به صلاح آنان است، تا به دوستی ما شناخته نشوند. و با این عمل، خون و مالشان محفوظ می ماند. و هیچ کس قصد سوء [بد] به قم و مردم قم نکند، جز آن که خدا او را ذلیل و از رحمت خود دور کرد.

هستند چهار صد و چهل و چار از شرف مدفون به امر حقّ شده درّ در این صدف

اولاد مرتضی علیّ آن شاه «لو کُشف» فرق مدان میان قم و کعبه و نجف

جان می دهند اهل خود در نثار قم(۲)

ص: ۳۲

---

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۵-۲۱۴، ح ۳۲؛ تاریخ قم، صص ۱۴۴-۱۴۳.

۲- (۲) انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۳۰۰.

## خوشا به حال اهل قم

۱۴. و عن سهل، عن احمد بن عيسى البرّاز (۱) القمي، عن ابي اسحاق العلاف النشابوري (۲)، عن واسط بن سليمان، عن ابي الحسن الرضا عليه السلام قال: انّ للجنّه ثمانيه ابواب، و لاهل قم واحد منهم (۳)، فطوبى لهم ثم طوبى لهم (۴). (۵)

ابوالحسن الرضا امام هشتم عليه السلام می فرماید: راستی برای بهشت هشت در می باشد، و برای اهل قم یکی از آن درهاست، پس خوشا به حال اهل قم، پس خوشا به حال آنها، پس خوشا به حال آنها.

## پناهگاه بودن قم

۱۵. و عن احمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد، عن بعض اصحابه، عن ابي عبدالله عليه السلام قال: كُنّا عنده جالسین اذ قال مبتدئاً: خراسان! خراسان! سجستان! سجستان! كائى انظر الى اهلها (۶) راكبين على الجمال مسرعين الى قم (۷).

از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن خالد برقی، از بعضی از اصحاب از امام صادق علیه السلام روایت است که روزی خدمت آن حضرت نشسته بودیم

ص: ۳۳

- 
- ۱- (۱) تاریخ قم فی هامشه ص ۱۴۴: «ع» احمد بن عيسى برّاز.
  - ۲- (۲) فی بحارالانوار: النیشابوری و نسخه «الف»: النیشابوری.
  - ۳- (۳) فی بحارالانوار: منها.
  - ۴- (۴) فی بحارالانوار و تاریخ قم: ثم طوبى لهم، (تکرر ثلاث مرّات).
  - ۵- (۵) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۵، ح ۳۳؛ تاریخ قم، ص ۱۴۴.
  - ۶- (۶) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: اهلها.
  - ۷- (۷) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۵، ح ۳۴؛ تاریخ قم، ص ۱۴۴.

[هیچ ذکری از خراسان و جای دیگری در میان نبود] پس حضرت ابتدائاً فرمودند: خراسان، سجستان، سجستان، گویا می بینم و مشاهده می کنم که اهل این دو بر شتران نشسته و به جانب قم می روند(۱).

### قم پناهگاه شیعیان

۱۶. و عن یعقوب بن یزید، عن ابی الحسن الکرخی ، عن سلیمان بن صالح، قال: کنا ذات یوم عند ابی عبدالله علیه السلام. فذکر فتن بنی عباس و ما یصیب الناس منهم. فقلنا: جعلنا فداک فاین المفزع و المفزع منهم(۲) فی ذلك الزمان؟ فقال: الی کوفه(۳) و حوالیها و الی قم و نواحیها، ثم قال: فی قم شیعتنا و موالینا و تكثر فیها(۴) العماره(۵) ، و تقصده(۶) الناس، و یجتمعون فیها حتی یكون الجمر بین بلدتهم(۷).

و فی بعض روایات الشیعه: ان قم ینبع فی العماره الی ان یشتری موضع فرس بالف درهم(۸).

سلیمان بن صالح می گوید: روزی نزد امام صادق علیه السلام بودیم که از فتنه

ص: ۳۴

- ۱- (۱) در کتاب ترجمه تاریخ قم و همچنین خلاصه البلدان این روایت به کوچ اهل ری اشاره می کند.
- ۲- (۲) فی بحارالانوار: فاین المفزع و المفزع فی ذلك الزمان.
- ۳- (۳) فی بحارالانوار: الکوفه.
- ۴- (۴) فی بحارالانوار: فیها.
- ۵- (۵) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: العماره.
- ۶- (۶) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: یقصده.
- ۷- (۷) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۵، ح ۳۵؛ تاریخ قم، ص ۱۴۵، فی هامشه: مع الاختلاف فی السند.
- ۸- (۸) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۵، ح ۳۵.

بنی عباس و از آنچه از آن ها به مردم می رسد، یاد شد.

پس گفتیم فدایت گردیم، هنگام این فتنه، پناهگاه و محل فرار کجاست؟ فرمود: به کوفه و حوالی آن و به قم و نواحی آن. سپس حضرت فرمود: در قم شیعیان ما [پیروان ما] و دوستان ما می باشند و عمارت [آبادی] در آن بسیار می شود، و مردم به طرف قم روی می آورند و در آن اجتماع می نمایند تا جمر [رودخانه جمر] وسط شهر قرار می گیرد.

و در بعضی از روایات شیعه آمده است که قم در عمارت و آبادانی تا جایی می رسد که زمین به اندازه خوابگاه [بستن] یک اسب به هزار درهم فروخته می شود.

### حوادث قم، قبل از ظهور

۱۷. و فی خطبه الملاحم لامیر المؤمنین علیه السلام - التي خطب بها بعد واقعه (۱) الجمل بالبصره - قال: يخرج الحسنی صاحب طبرستان مع جمّ کثیر من خيله و رجله؛ حتّى یاتی نیشابور (۲) لیفتحها (۳) و تقسم ابوابها، ثمّ یاتی اصبهان، ثمّ الی قم، فیقع بینة و بین اهل قم وقعه عظیمه یقبل (۴) فیها خلقٌ کثیر؛ فیهزم (۵) اهل قم فینهب الحسنی اموالهم، و یسبی ذراریهم و

ص: ۳۵

۱- (۱) فی بحار الانوار: وقعه.

۲- (۲) فی بحار الانوار و نسخه «الف»: نیشابور.

۳- (۳) فی بحار الانوار: فیفتحها و یقسم ابوابها.

۴- (۴) فی بحار الانوار و نسخه «الف»: یقتل.

۵- (۵) فی بحار الانوار و نسخه «الف»: فینهزم.

نسائهم، و یخرب دورهم، فیفزع اهل قم الی جبل یقال له وراردهار، فقیم الحسنی بیلادهم اربعین یوماً و یقتل منهم عشرين رجلاً، و یطلب (۱) منهم رجلین و یرحل عنهم (۲).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعد از جنگ جمل که از بصره بیرون می آمدند در خطبه ای فرمودند: حسنی صاحب طبرستان با عده ای کثیر خروج کرده، غلبه می کند و انبوهی از سواران و پیاده ها، تا نیشابور می رسند و آن را فتح می نمایند، درهای شهر را تقسیم می کنند، و سپس به طرف اصفهان و بعد به طرف قم می رود. پس [اتفاق می افتد] بین حسنی و اهل قم اتفاق [جنگ - واقعه] بزرگی واقع می شود، و در آن واقعه مردمان زیادی کشته می شوند. اهل قم شکست می خورند و حسنی اموال آنها را غارت می کند و فرزندان و زنان اهل قم را به اسارت می برد. و خانه ها [سراها] ی آنها را خراب می کند. پس اهل قم، به کوهی که به آن وراردهار می گویند، پناه می برند. پس حسنی چهل روز در شهرشان اقامت می کند و بیست مرد را می کشد و نفر مرد را از آنها طلب می کند و به دار می آویزد و از بین آن ها کوچ می کند.

ص: ۳۶

---

۱- (۱) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: یصلب.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۵، ح ۳۶؛ تاریخ قم، ص ۱۴۵، فی هامشه: مع الاختلاف فی المتن.

۱۸. و عن علی بن عیسی، عن ایوب بن یحیی بن جندب (۱)، عن ابی الحسن الاول علیه السلام قال: رجل من اهل قم يدعو (۲) الناس الى الحق، یجتمع معه قوم کزبر الحديد، لاتزلهم الریح العواصف، ولا یمیلون (۳) من الحرب. ولا یخبون (۴) و علی الله یتوکلون، والعاقبه للمتقين (۵).

از ابوالحسن الاول امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده که حضرت علیه السلام فرمود: مردی از اهل قم، به حق دعوت می کند [قیام می کند] و مردم دور او مانند براده های آهن، جمع می شوند و تندباد حوادث آنها را نمی لرزاند، و از جنگ خسته و ملول نمی شوند و نمی ترسند. [ترسی به دل راه نمی دهند] به خدا توکل می کنند و عاقبت از آن پرهیزکاران است.

ص: ۳۷

---

۱- (۱) فی بحارالانوار: یحیی الجندل. و فی تاریخ قم ص ۱۴۵: یحیی بن الجندل.

۲- (۲) فی بحارالانوار: یدعوا [یدعوا].

۳- (۳) فی بحارالانوار: لایمّلون.

۴- (۴) فی بحارالانوار: ولا یجبنون. و فی نسخه «الف»: ولا یجبنون. و فی «العاقبه للمتقين» ساقط .

۵- (۵) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۷؛ تاریخ قم، صص ۱۴۶-۱۴۵ و فی هامشه: مع الاختلاف فی السند و المتن.

۱۹. و باسناده عن عثمان (۱) البصری، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال (۲): اتدری لم سمی قم (۳)؟ لان اهلہ یجتمعون مع قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، و یقومون معه، و یتقیمون علیه و ینصرون (۴). (۵)

عفان [یا عثمان] بصری از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت علیه السلام فرمود: آیا می دانی چرا قم را، قم می نامند؟ [عرض کردم: خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و شما آگاه تر هستید، فرمود: به آن قم می گویند] چون اهل قم، با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله اجتماع می کنند و با او قیام می کنند و بر فرمانبرداری آن حضرت استوار هستند و او را یاری می کنند.

ص: ۳۸

۱- (۱) فی بحارالانوار: عفان البصری .

۲- (۲) فی بحارالانوار: قال لی .

۳- (۳) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: اتدری لم سمی قم؟ قلت: الله و رسوله و انت اعلم. قال: أنها سمی قم لأن اهلہ .

۴- (۴) فی بحارالانوار: ینصرونه .

۵- (۵) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۸؛ تاریخ قم، ص ۱۴۶ فی هامشه: مع الاختلاف فی السند.

۲۰. عن علی بن عیسی، عن علی بن محمد بن الرّبیع (۱)، عن صفوان یحیی (۲) - تباع السّائری (۳) - قال: کنت يوماً عند ابی الحسن علیه السلام، فجرى ذکر قم و اهله و میلهم الی المهدیّ علیه السلام، فترحم علیهم و قال: رضی الله عنهم. ثمّ قال: انّ للجنّه ثمانیه ابواب و واحدٌ منها لاهل قم، و هم خیار شیعتنا من بین سائر البلاد. خمر الله تعالی و لایتنا فی طینتهم (۴).

راوی می گوید: روزی در محضر ابوالحسن امام هفتم علیه السلام بودم که ذکر و یادی از قم و اهل قم و میل و اشتیاق آنها نسبت به حضرت مهدی علیه السلام شد، پس حضرت بر آنها درود فرستاد و فرمود: خداوند سبحان از آنها راضی باشد، پس فرمود: همانا برای بهشت هشت در است و یکی از آن درها برای اهل قم است و آنها شیعیان برگزیده ی ما از بین سایر شهرها هستند. خداوند تعالی ولایت ما را با سرشت [طینت] آنها عجین کرده است.

در فضل او بس است که خلّاق عالمین یک دری ز بهشت خُلد گشاید از این زمین

قم را نموده مدفن اخیار مؤمنین از لطف حقّ شرافت این خاک را ببین

بوی بهشت می وزد از مرغزار قم هر ذره اش به چشم چه کحل الجواهر است (۵)

ص: ۳۹

۱- (۱) فی بحارالانوار: محمد الرّبیع.

۲- (۲) فی بحارالانوار: صفوان بن یحیی.

۳- (۳) فی بحارالانوار: بیاع السابریّ؛ فی نسخه «الف»: تباع السّابریّ.

۴- (۴) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۹؛ تاریخ قم، ص ۱۴۶ فی هامشه: مع الاختلاف فی السند و المتن.

۵- (۵) انوارالمشعشعین، ج ۱، ص ۳۷۵.



۲۱. و روی بعض اصحابنا قال کنت عند ابی عبدالله علیه السلام جالساً اذ قرء هذه الایه فإذا جاء وَعْدُ أَوْلَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَاداً لَنَا أَوْلَىٰ بِأَسِّ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْداً مَّفْعُولاً فَقُلْنَا جَعَلْنَا فِدَاكَ مِنْ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ -: وَ اللَّهُ (۱) اهل قم (۲).

بعضی از اصحاب ما روایت کرده اند که روزی در محضر امام صادق علیه السلام نشسته بودیم این آیه را قرائت فرمودند: «و هنگامی که نخستین وعده [از آن] دو فرا رسید، [گروهی از] بندگان سخت نیرومندان را بر شما می شورانیم و میان خانه ها به جست و جو در آیند و این وعده واقع شده است» ما گفتیم جان ما فدای شما باشد، اینها چه کسانی هستند؟ امام علیه السلام سه مرتبه فرمودند: به خدا قسم که این ها اهل قم هستند.

ص: ۴۰

---

۱- (۲) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: هم والله اهل قم.

۲- (۳) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۴۰. و تاریخ قم ۱۴۶.

۲۲. و روی عن عدّه من اهل الرّی أنّهم دخلوا علی ابی عبدالله علیه السلام و قالوا: نحن اهل الرّی، فقال: علیه السلام مرحباً باخواننا من اهل قم، فقالوا: نحن من اهل الرّی، فاعاد علیه السلام الکلام، قالوا ذلك مرارا، و اجابهم علیه السلام بمثل ما اجاب به اوّلاً، ثمّ (۱) قال علیه السلام: انّ لله حرما و هو مکه، و انّ لرسوله (۲) حرما و هو المدینه، و انّ لامیرالمؤمنین علیه السلام حرما و هو الکوفه، و انّ لنا حرما و هو بلده قم، و ستدفن فیها امرئه من اولادی تسمّی فاطمه، فمن زارها وجبت له الجنّه، قال الرّوی: و کان هذا الکلام منه علیه السلام قبل ان تولّد کاظم علیه السلام (۳).

روایت شده که گروهی از اهل ری خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند [وارد شدند] و گفتند: ما اهل ری هستیم، حضرت فرمودند: مرحبا [خوشا به حال] برادران ما از اهل قم، گفتند: ما اهل ری هستیم، حضرت دوباره جمله اول را تکرار فرمود. آنها چندین مرتبه کلام خود را تکرار کردند و امام علیه السلام جواب آنها را مثل بار اول دادند. سپس فرمود: همانا برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه است، و برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است و برای ما [اهل بیت علیهم السلام] حرمی

ص: ۴۱

---

۱- (۱) فی بحارالانوار: فقال.

۲- (۲) فی بحارالانوار: لرسول و فی هامشه لرسوله.

۳- (۳) بحارالانوار، ج ۶۰، صص ۲۱۶-۲۱۷، ح ۴۱.

است و آن شهر قم است. به زودی در آن جا زنی [دختری] از اولاد من به نام فاطمه دفن می شود. پس هر کسی او [فاطمه] را زیارت کند، بهشت بر او واجب [سزاوار] می شود.

راوی می گوید: این کلام را امام صادق علیه السلام قبل از ولادت امام موسی کاظم علیه السلام فرموده است.

### قم، سرزمین رانده شدن ابلیس

۲۳. و فی روایات الشّیعه أنّ رسول الله صلی الله علیه و آله لَمّا اسرى به رأى ابلیس بارکاً بهذه البقعه، فقال له: قم یا ملعون فسمّیت بذلك (۱).

در روایات شیعه آمده است که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معراج می رفت ابلیس را بر روی این سرزمین دید. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: ای ملعون، بلند شو، و به این جهت [این سرزمین] قم نامیده شد.

### اهل قم نگهبان دین

۲۴. و روی عن الائمة عليهم السلام: لو لا القمّیون لضاع الدّین (۲).

از ائمه علیهم السلام روایت شده است: اگر قمی ها نبودند دین ضایع می شد.

ص: ۴۲

---

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷، ح ۴۲.

۲- (۲) همان، ح ۴۳.

۲۵. و روی مرفوعا الی محمّد بن یعقوب الكلینی؛ باسناده الی علی بن موسی الرضا علیه السلام قال: اذا عمّت البلدان الفتن فعلیکم بقم و حوالیها و نواحیها، فانّ البلاء مدفوعٌ (۱) عنها (۲).

از امام هشتم علی بن موسی الرضا علیهما السلام نقل شده است: هر زمانی که فتنه، تمام شهرها را فرا گرفت، به قم و اطراف، و نواحی آن شهر بروید، زیرا بلا از آن شهر برداشته شده است.

وهرجا که موج فتنه تو را در میان گرفت طغیان نمود ظلم و تمام جهان گرفت

فصل بهار زندگیت را خزان گرفت باید که پند از ذکی باغبان گرفت

خود را کشید و رفت به قم یا جواد قم (۳)

ص: ۴۳

---

۱- (۱) فی بحارالانوار: مرفوع. و فی نسخه «الف»: مدفوع عنهما.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷، ح ۴۴.

۳- (۳) انوارالمشعشعین، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲۶. و قال علیه السلام - لزرکریا بن آدم القمّی، حین قال الشّیخ عنده: یا سیدی انّی ارید الخروج عن اهل بیتی، فقد کثرت السّیفهاء، فقال: لا تفعل، فأَنَّ البلاء تدفع (۱) بک عن اهل قم؛ كما تدفع (۲) البلاء عن اهل بغداد بابی الحسن الکاظم علیه السلام (۳).

امام صادق علیه السلام به زکریا بن آدم - هنگامی که او [ساکن قم بود] به حضرت گفت: آقای من، قصد کرده ام از خانواده ام بیرون روم، چون سفیهان زیاد شده اند - حضرت علیه السلام فرمود: این کار را نکن، زیرا به واسطه ی تو بلا از اهل قم دفع می شود. هم چنان که بلاء از اهل بغداد به خاطر پدرم ابوالحسن الکاظم علیهما السلام دفع می شود.

### ملک الهی، نگهبان قم

۲۷. و عن سهل بن زیاد، عن علی بن ابراهیم الجعفری، عن محمّد بن الفضل (۴)، عن عده من اصحابنا (۵)، عن الصّادق جعفر بن محمّد علیهما السلام قال: انّ لعلی قم ملکا رفر ف علیها بجناحیه؛ لا یریدها جبارٌ بسوء الا اذابه الله کذوب الملح فی الماء، ثمّ اشار الی عیسی بن عبدالله فقال علیه السلام: سلام الله

ص: ۴۴

- ۱- (۱) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: یدفع.
- ۲- (۲) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: یدفع.
- ۳- (۳) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷، ح ۴۵.
- ۴- (۴) فی بحارالانوار: الفضیل.
- ۵- (۵) فی بحارالانوار: اصحابه.

علی اهل قم، سقی (۱) الله بلادهم الغیث، و ینزل (۲) علیهم البرکات، و یدل الله سیئاتهم حسنات، هم اهل رکوع و سجود و قیام و قعود، هم الفقهاء العلماء الفهماء، هم اهل الدیانه (۳) و الزوایه و حسن العباده (۴).

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا فرشته ای با بال های گشوده خود بر فراز قم مسلط است، هیچ ظالم و ستم گری قصد بد به قم نمی کند، مگر این که خداوند او را ذوب کند مانند ذوب کردن نمک در آب.

روزی که ظلم در همه جا باب می شود رحم از میان خلق چه نایاب می شود

روی زمین چه کوره سیمان می شود ظالم به دست قم چه نمک آب می شود

گردنکشان چه بهره ندارد از دیار قم (۵)

سپس اشاره فرمود به عیسی بن عبدالله و فرمود: سلام خدا بر اهل قم، خدا شهر آنها را از باران رحمت سیراب می کند، و بر آنها برکات نازل می کند، و گناه هایشان را به نیکی تبدیل می کند، آنها اهل رکوع و سجود، و قیام و قعودند و آنان فقیهان و عالمان و اهل فهم و درایت هستند، و خوب عبادت می کنند.

ص: ۴۵

---

۱- (۱) فی بحارالانوار: یسقی و هامشه: سقی.

۲- (۲) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: ینزل الله.

۳- (۳) فی بحارالانوار: الدرایه. و فی نسخه «الف»: ضبط کلیهما. [ای الدیانه و الدرایه]

۴- (۴) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷، ح ۴۶.

۵- (۵) انوارالمشعشعین، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲۸. و قال ابو عبدالله الفقيه الهمداني - في كتاب البلدان -: انّ ابا موسى الأشعري (۱) روى أنّه سئل امير المؤمنين عليّ بن ابيطالب عليه السلام من (۲) اسلم المدن و خير المواضع عند نزول الفتن و ظهور السيف ؟ فقال: اسلم المواضع يومئذ ارض الجبل، فاذا اضطربت خراسان و وقعت الحرب بين اهل جرجان و طبرستان و خربت سجستان؛ فاسلم المواضع يومئذ قصبه قم، تلك البلده التي يخرج منها انصار خير الناس ابا و اما و جدًا و جدّه و عمًا و عمّه، تلك التي تسمّى الزّهراء، بها موضع قدم جبرئيل، و هو الموضع الذي نبع منه الماء الذي (۳) عجن الطير، الذي عمل منه كهيئة الطير، و منه يغتسل الرضا عليه السلام، و من ذلك الموضع يخرج كبش ابراهيم و عصي موسى و خاتم سليمان (۴).

ابوموسی اشعری روایت می کند که از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از سالم ترین شهرها و مکان ها، هنگامی که فتنه ها نازل می شود و شمشیر از غلاف بیرون می آید [جنگ اتفاق می افتد]؟ پرسیدم، آن حضرت فرمود: سالم ترین مکان ها [شهرها] در آن زمان سرزمین جبل است. پس زمانی که خراسان بر هم بخورد [شورش بکند] و جنگ بین اهل جرجان [گرگان] و طبرستان بیفتد و

ص: ۴۶

۱- (۱) فی نسخه «الف»: ابا موسی روی.

۲- (۲) فی بحارالانوار: عن.

۳- (۳) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: من شرب منه امن من الداء امن ذلك الماء.

۴- (۴) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸-۲۱۷، ح ۴۷.

سجستان خراب گردد، پس سالم ترین مکان ها [شهرها] در آن وقت، قصبه [شهر] قم است. و آن شهری است که از آن شهر یاران بهترین مردم از لحاظ [جانب] پدر و مادر و جدّ و جدّه و عمو و عمّه، خروج می کند و این ناحیه را زهرا می نامند. قدمگاه جبرئیل در این شهر است و آن [قم] شهری که است آبی از آن می جوشد، که هر کسی از آن آب بنوشد از درد در امان است، و از آن آب، طینت [سرشت] گلی است که از آن گل، صورت مرغی را [عیسی علیه السلام] ساخت. و از این آب حضرت رضا علیه السلام غسل می کند و گوسفندان ابراهیم علیه السلام و عصای موسی و انگشتر سلیمان از اینجاست.

### قم سرزمین حشر و محاسبه

۲۹. و من روایات الشّیعه فی فضل قم و اهلها ما رواه الحسین علی بن الحسین (۱) بن بابویه القمّی باسانید ذکرها عن ابی عبدالله الصّادق علیه السلام، أنّ رجلاً دخل علیه فقال: یا بن رسول الله انّی ارید ان اسألك عن مسأله لم یسألك احد قبلی و لا یسألك احد بعدی، فقال: عساک تسألنی عن المحشر و المنشر (۲) فقال الرّجل: ای والذی بعث محمّدا بالحقّ بشیراً و نذیراً ما استلک الاّ عنه، فقال: محشر النّاس کلّهم الی بیت المقدس الاّ بقعه بارض الجبل یقال لها قم، فأنهم یحاسبون فی حفرهم و یحشرون من حفرهم الی الجنّه. ثمّ قال: اهل قم مغفور لهم. قال: فوثب الرّجل علی

ص: ۴۷

۱- (۱) فی بحارالانوار و نسخه «الف»: ابن موسی بن بابویه القمّی باسانید.

۲- (۲) فی بحارالانوار: الحشر و النشر و فی هامشه: المحشر و المنشر.



رجليه و قال: يا بن رسول الله هذا خاصه لاهل قم؟ قال: نعم و من يقول بمثل (١) مقالتهم، ثم قال: انى (٢) ازيدك؟ قال: نعم قال: حدثنى ابي عن ابيه عن جدّه قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: نظرت الى بقعه بارض الجبل خضراء احسن لوناً من الزعفران و اطيب رائحه من المسك، و اذا فيها شيخ بارك على راسه برنس، فقلت: حبيبي جبرئيل ما هذه البقعه؟ قال فيها شيعه و صيک على بن ابيطالب عليه السلام قلت: فمن الشيخ النازل (٣) فيها؟ قال: ذلك ابليس اللعين، قلت: فما يريد منهم؟ قال: يريد ان يصدّهم عن ولايه و صيک على و يدعوهم الى الفسق و الفجور، فقلت: يا جبرئيل اهوبنا (٤) اليه، فاهوى بنا اليه من (٥) اسرع من برق خاطف، فقلت له: قم يا ملعون؛ فتارك (٦) المرجئه فى نساءهم و اموالهم، لانّ اهل قم شيعتى و شيعه و صيى على بن ابي طالب عليه السلام (٧).

ابن بابويه قمى در فضيلت قم و اهل قم، روايتى را از امام صادق عليه السلام نقل

ص: ٤٨

- 
- ١- (١) فى بحارالانوار: و من يقول مقالتهم. و فى نسخه «الف»: «و من يقول بمثل مقالتهم، ثم قال: انى ازيدك» ساقط .
  - ٢- (٢) فى بحارالانوار: قال ازيدك.
  - ٣- (٣) فى نسخه «الف»: البارك فيها.
  - ٤- (٤) فى بحارالانوار: اهوبنا.
  - ٥- (٥) فى بحارالانوار و نسخه «الف»: فى.
  - ٦- (٦) فى بحارالانوار و نسخه «الف»: فشارك.
  - ٧- (٧) بحارالانوار، ج ٦٠، ص ٢١٨، ح ٤٨.

کرده که مردی خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: یابن رسول الله من می خواهم از شما مسئله ای را بپرسم که کسی قبل از من از شما نپرسیده و بعد از من نیز نخواهد پرسید. امام علیه السلام فرمود: شاید قصد داری از حشر و نشر بپرسی؟ عرض کرد: بله، قسم به او که محمد صلی الله علیه و آله را حَقّاً بشیر و نذیر مبعوث کرد، سؤال من غیر از این چیزی نیست.

حضرت فرمود: مکان حشر همه مردم، بیت المقدس است، مگر قطعه ای از سرزمین جبل که به آن قم می گویند. آنها [اهل قم] در قبرهایشان محاسبه می شوند، و از آنجا محشور شده، به بهشت می روند. سپس فرمود: اهل قم آمرزیده شده اند.

راوی می گوید: آن مرد از جای خود برخاست و به روی دو پا ایستاد: و گفت یابن رسول الله این مخصوص و ویژه اهل قم است؟ حضرت فرمود: بله و هر کس که مثل آنان بگوید [عقیده داشته باشد به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اولاد او].

روزی که حشر و نشر و قیامت به پا شود ایمان و کفر و نیک از هم جدا شود

بهر حساب خلق، چه میزان به پا شود بر اهل قم محاسبه ی در قبرها شود

خرم کسی که دفن شود در مزار قم (۱)

ص: ۴۹

امام علیه السلام فرمود: می خواهی بیشتر از این [از فضایل قم و اهل آن] برایت بگویم؟ عرض کرد: بله. فرمود: حدیث کرد مرا پدرم و او از پدرش و او از جدش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: [وقتی به معراج می رفتم] نگاهم به بقعه ای از سرزمین جبل افتاد، بسیار سبز که از زعفران خوش رنگ تر و از مشک خوش بو تر بود. ناگاه در آن بقعه، پیرمردی را دیدم که بر سرش برنس [کلاه] داشت. پس به دوستم جبرئیل گفتم: این چه بقعه ای است؟ گفت: در آن بقعه پیروان [شیعیان] وصی تو علی بن ابی طالب علیه السلام می باشند. گفتم: پس این پیرمرد در بین آن ها کیست؟ گفت: این ابلیس ملعون [لعن شده] است. گفتم: قصد او در بین آنها چیست؟ گفت: می خواهد آنها را از ولایت وصی تو علی علیه السلام باز دارد، و آنها را به فسق و فجور دعوت کند. پس گفتم: ای جبرئیل مرا پیش او ببر. جبرئیل مرا سریع تر از برق، پیش او برد. پس به او گفتم: بلند شو ای ملعون؛ اینجا را ترک کن و شریک شو با ملعونین در دین و زنان آنها، همانا اهل قم شیعیان من و شیعیان وصی من علی بن ابی طالب علیه السلام هستند.

نور محمدی چه به معراج در رسید ابلیس را به بقعه ی قم باسپاه دید

زد بانگ احمدی که بشو دور ای پلید این سرزمین بهشت نه جای تو و مرید

اخرج تو ای لعین پلید تباه کار(۱)

ص: ۵۰

۳۰. و روی محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن محمد بن الحسن الخضرمی، عن محمد بن بهلول، عن ابی سلمه (۱) العبدی، عن ابی عبدالله الصّادق علیه السلام قال: تربه قم مقدسه و اهلها منّا و نحن منهم، لا یریدهم جبارٌ بسوء الّا عجلت عقوبته نار جهنّم (۲).

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: خاک قم مقدس است، و اهل قم از ما [اهل بیت علیهم السلام] و ما از اهل قم می باشیم، و هیچ جبار و ستم کاری قصد بدی به آنها ننماید، مگر آن که به زودی در آتش جهنم معذب و معاقب می شود.

ص: ۵۱

---

۱- (۱) فی بحارالانوار: ابی مسلم.

۲- (۲) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸، ح ۴۹.

٣١. [و باسناده عن الصادق قال: قم بلدنا و بلد شيعتنا، مطهره مقدسه قبلت ولايتنا اهل البيت (١)] لا يريداهم (٢) احد (٣) بسوء الّا عجلت عقوبته ما لم يخونوا (٤) اخوانهم، فاذا فعلوا ذلك سلط الله عليهم حبايره سوء، أما انهم انصار قائمنا و دعاه حقنا، ثم رفع رأسه الى السماء و قال: اللهم اعصمهم من كل فتنه و نجهم من كل هلكه، ثم ذكر صاحب التاريخ المشاهد و القبور الواقعه فى بلده قم، فقال: و منها قبر فاطمه بنت موسى بن جعفر عليهما السلام، و روى أنّ زيارتها تعادل الجنه.

وروى مشايخ قم أنّه: لما اخرج المامون على بن موسى الرضا عليهما السلام من المدينه الى المرو فى سنه مائتين؛ خرجت فاطمه اخته عليهما السلام فى سنه احدى و مائتين تطلبه فلما وصلت الى ساوه مرضت، فسألت كم بينى و بين قم؟ قالوا: عشره فراسخ، فامرت خادمها فذهب بها الى قم، و انزلها فى بيت موسى بن خزرج بن سعد. و الاصحّ أنّه لما وصل الخبر الى آل سعد؛ اتفقوا و خرجوا اليها ان يطلبوا منها النزول فى بلده قم، فخرج من بينهم موسى بن خزرج، فلما وصل اليها اخذ بزمام ناقته، و جرّها الى

ص: ٥٢

- 
- ١- (١) ما بين المعقوفين لم يوجد فى بحار الانوار بل يوجد فى سفينه البحار: ج ٢، ص ٤٤٧.
  - ٢- (٢) من هنا الى آخر الحديث تتمه الحديث السابق على ما فى البحار و لكن جعلها المؤلف من تتمه هذا الحديث.
  - ٣- (٣) فى بحار الانوار: جبار.
  - ٤- (٤) فى بحار الانوار: ما لم يحولوا احوالهم (خ) و فى نسخه «الف»: ما لم يجلوا احوالهم.

قم، و انزلها فى داره، فكانت فيها سبعة (١) عشر يوما.

مضت الى رحمه الله و رضوانه، فدفنها موسى بعد التّغسيل و التّكفين (٢) فى ارض له، و هى التّى الآن مدفنها و بنى على قبرها سقفاً من البوارى الى ان مضت بنت زينب بنت الجواد عليهما السلام قبه عليها (٣).

وحدّثنى حسين (٤) بن على بن الحسين بن موسى بن بابويه، عن محمّد بن الحسن بن احمد بن الوليد، أنّه: لَمَّا توفّيت (٥) فاطمه رضى الله عنها و غسّلوها و كفّفوها ذهبوا بها الى بابلان و وضعوها الى (٦) سرداب حفروه بها (٧) فاختلف آل سعد بينهم فى من يدخل السرداب و يدفنها فيه فاتفقوا على خادم لهم شيخ كبير صالح يقال له قادر فلَمَّا بعثوا اليه رأوا راكبين سريعين ملثمن (٨) يأتیان من جانب الرّملة فلَمَّا قربا من الجنازه نزلا و صليا (٩) عليها و دخلا السرداب و اخذا الجنازه فدفناها ثم خرجا و ركبا و ذهبا و لم يعلم احدٌ من هما؟

ص: ٥٣

١- (١) فى بحار الانوار: ستّه.

٢- (٢) فى نسخه «الف»: بعد التّغسيل و التّلقين.

٣- (٣) فى نسخه «الف»: قبه.

٤- (٤) فى بحار الانوار و نسخه «الف»: حدّثنى الحسين.

٥- (٥) فى بحار الانوار: توفّيت.

٦- (٦) فى بحار الانوار و نسخه «الف»: على.

٧- (٧) فى بحار الانوار و نسخه «الف»: لها.

٨- (٨) فى بحار الانوار و نسخه «الف»: ملثّمين يأتیان.

٩- (٩) فى بحار الانوار: صلياً.

والمحراب الذي كانت فاطمه تصلى عليها موجوداً الى الآن في دار موسى بن خزرج.

ثم ماتت أم محمّد بنت موسى بن محمّد بن عليّ الرضا عليهم السلام، فدفنوها في بيت (١) فاطمه رضى الله عنها، ثم توفيت ميمونه اختها فدفنوها هناك أيضاً، وبنوا عليهما (٢) قبه، ودفن فيها أم اسحاق جاريه محمّد أم حبيبه (٣) جاريه محمّد بن احمد بن الرضا و اخت محمّد بن موسى عليه السلام.

و(٤) منها قبر ابي جعفر محمّد بن موسى بن محمّد بن عليّ الرضا عليه السلام، قال: و هو أوّل من دخل من السادات الرضويه قم، و كان مبرقعا دائما فاخرجه العرب من قم، ثم اعتذروا منه و ادخلوه و اكرموه، و اشتروا من اموالهم له داراً و مزارع، و حسن حاله، و اشترى من ماله ايضاً قرى و مزارع، فجاءت اليه اخواته زينب و أم محمّد و ميمونه بنات الجواد عليهم السلام، ثم بريهيه بنت موسى فدفن كلهنّ عند فاطمه رضى الله عنها، و توفى محمّد بن موسى ليله الاربعاء ثامن شهر ربيع الآخر من سنه ستّ و تسعين و مائتين، و دفن في الموضع المعروف بأنّه مدفنه.

ومنها قبر ابي عليّ محمّد بن احمد بن موسى بن محمّد بن عليّ الرضا عليه السلام، توفى في سنه خمس عشر و ثلاثمأه، و دفن في مقبره محمّد

ص: ٥٤

١- (١) في بحارالانوار و نسخه «الف»: جنب.

٢- (٢) في بحارالانوار و نسخه «الف»: ايضاً.

٣- (٣) في بحارالانوار و نسخه «الف»: ام حبيب.

٤- (٤) في بحارالانوار: ثم قال.

ثم ذكر مقابر كثير من السادات الرضويّة و كثير من اولاد محمّد بن جعفر الصادق عليه السلام، و كثير من احفاد عليّ بن جعفر، و قبور كثير من السّادات الحسينية(1)، و كان اكثر اهل قم من الاشعريين، و قال رسول الله صلى الله عليه و آله: اللّهم اغفر للاشعريين صغيرهم و كبيرهم و قال: الاشعريون منّي و انا منهم.

وروى(2) احمد بن محمّد بن عيسى، عن محمّد بن خالد، عن ابي البختري، عن محمّد بن اسحاق، عن الزّهرى قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: الازد و الاشعريون و كنده منّي لا يعدلون و لا يجبنون، و بهذا الاسناد عن ابي البختري عن الزّهرى عن زيد بن اسلم قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله - للاشعريين لَمّا قدموا - : انتم المهاجرون الى الانبياء من ولد اسماعيل. ثم ذكر اخبارا كثيره فى فضائلهم ثم قال: من مفاخرهم انّ اول من اظهر التّشيع بقم موسى بن عبدالله بن سعد الاشعري(3).

ومنها أنّه قال الرضا عليه السلام - لزكريّا بن ادم بن عبدالله سعد الاشعري -: انّ الله يدفع البلاء بك عن اهل قم، كما يدفع البلاء عن اهل بغداد بقبر موسى بن جعفر عليهما السلام.

ص: ٥٥

١- (١) فى بحار الانوار: الحسينيه.

٢- (٢) فى بحار الانوار و نسخه «الف»: و روى عن احمد.

٣- (٣) فى نسخه «الف»: سعيد الاشعري [سعد].



ومنها أنّهم الفوا(۱) المزارع و العقارات الكثيره على الائمه عليهم السلام.

ومنها أنّهم أوّل من بعث الخمس اليهم عليهم السلام.

ومنها أنّهم عليهم السلام اكرموا جماعه كثيره منهم بالهدايا و التحف والاكفان، كابي جرير زكريا ابن ادريس، و زكريا بن ادم، و عيسى بن عبدالله بن سعد، و غيرهم ممّن يطول بذكرهم الكلام، و شرفوا بعضهم بالخواتيم و الخلع، و أنّهم اشتروا من دعبل الخزاعي اثواب(۲) الرضا عليه السلام بالف دينار من الذهب.

ومنها أنّ الصادق عليه السلام قال - لعمران بن عبدالله -: اظلك الله يوم لا ظل الا ظله انتهى ما أخرجه من تاريخ قم و مؤلفه من علماء الاماميه(۳)، هذا ما ذكر في بحار الانوار و نقل من الكتاب المختلفه من مصنفات العلماء الاماميه رضوان الله عليهم.

ابومسلم عبدي از امام صادق عليه السلام روايت مي کند که آن حضرت فرمود: خاک قم، مقدّس است و اهل قم از ما اهل بيت عليهم السلام هستند و ما از آنهايم و هيچ جبار و ظالمی به آنها ظلم و بدی نکند مگر اينکه خداوند متعال در عقوبت و كيفر آنان تعجيل نمايد (و اين تعجيل عقوبت تا زماني است) که اهل قم نسبت به برادران خود خيانت نکنند و اگر چنين کنند خداوند ظالمان را بر آنها مسلط مي گرداند. اما اهل قم انصار قائم ما - عجل الله تعالى فرجه شريف - و دعوت

ص: ۵۶

۱- (۱) في بحار الانوار: وقفوا.

۲- (۲) في بحار الانوار و نسخه «الف»: ثوب.

۳- (۳) بحار الانوار، ج ۶۰، صص ۲۲۱-۲۱۸، ح ۴۹؛ تاريخ قم، صص ۳۱۴-۳۰۸ و صص ۴۰۳-۳۹۴.

کنندگان حق ما هستند.

سپس حضرت علیه السلام سرش را به آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا آنها را از هر آفتی نگهدار و از هر هلاکتی نجاتشان بده. (۱)

سپس صاحب تاریخ قم مشاهد و قبور واقع شده در شهر قم را ذکر می کند و می گوید: از جمله آن مشاهد، قبر فاطمه علیها السلام دختر موسی بن جعفر علیهما السلام است و روایت می کند: «همانا [ثواب] زیارت فاطمه معصومه علیها السلام برابر بهشت است.»

بزرگان قم، روایت کرده اند: زمانی که امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام را به دستور مأمون در سال ۲۰۰ ق از مدینه به طرف مرو [خراسان] آوردند، فاطمه معصومه علیها السلام در سال ۲۰۱ ق به طلب برادرش از مدینه بیرون آمد. وقتی به شهر ساوه رسید مریض شد، پس فرمود: بین من و بین شهر قم چقدر فاصله است؟ گفتند: ۱۰ فرسخ. به خادم خود امر کرد او را به قم ببرد، و در سرای «موسی بن خزرج بن سعد» نزول کند [وارد شود].

و روایت صحیح و درست، آن است که وقتی خبر به آل سعد رسید، همگی اتفاق کردند و از شهر به طرف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام خارج شدند تا از او طلب کنند به شهر قم وارد شوند، از بین آنها «موسی بن خزرج» خارج شد، چون خدمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام رسید زمام ناچه حضرت را گرفت و به طرف شهر قم کشید و حضرت وارد منزل او شد و ۱۷ روز [۱۶ روز بنا بر

ص: ۵۷

---

۱- (۱) از این جمله به بعد مرحوم مجلسی مطالبی را از تاریخ قم نقل می کند و در بین این مطالب احادیثی هم در منقبت و فضیلت اشعریون بیان شده است.

زمانی که وقت وفات آن حضرت رسید [از دنیا رفت]، بعد از غسل و تکفین و نماز، موسی بن خزرج ایشان را در ملک خودش به نام بابلان [آستانه مقدسه امروز] دفن نمود. و بر سر قبر آن حضرت، سقفی از بوریای بنا کرد. [این بنا بود] تا زمانی که زینب، دختر امام جواد علیه السلام قبه ای بر سر قبر آن حضرت بنا نمود.

و روایت کرد مرا، علی بن حسین بن موسی بن بابویه، از محمد بن حسن بن احمد بن ولید، که وقتی فاطمه معصومه علیها السلام وفات کرد و او را غسل و کفن کردند و جنازه اش را به طرف بابلان بردند، و حضرت را در سردابی قرار دادند، و قبری برای حضرت حفر کردند، سپس بین آل سعد در این که چه کسی وارد سرداب بشود و حضرت را دفن کند اختلاف افتاد، همه اتفاق [قبول] کردند خادمی به نام قادر که شخصی پیر و صالح بود، وارد قبر مطهر شود تا حضرت را داخل قبر بگذارد. وقتی او را حاضر کردند، دیدند از طرف قبله، دو سواره آمدند در حالی که صورت را [نقاب به صورت] بسته بودند، بر جنازه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نزدیک شدند و نماز خواندند و جنازه را داخل سرداب نموده و دفن کردند، سپس خارج شدند و سوار شده و رفتند، کسی ندانست آنها [آن دو] چه کسانی بودند؟ و محرابی که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در آن نماز خوانده اند تا امروز در خانه موسی بن خزرج موجود است (۱).

ص: ۵۸

سپس وقتی امّ محمد، دختر موسی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام وفات کرد، او را در کنار فاطمه معصومه علیها السلام دفن کردند. سپس، میمونه خواهرش [خواهر ام محمد] وفات کرد که او را نیز در آن مکان دفن کردند و بر سر قبر این دو خواهر [ام محمد و میمونه] قبه ای گذاشتند و در آن مکان [سرداب] ام اسحاق جاریه محمد ام حبیبه و جاریه محمد بن احمد بن الرضا و خواهر محمد بن موسی علیهم السلام دفن شده اند.

و از آن مشاهد و قبور؛ قبر ابوجعفر محمد موسی بن علی الرضا علیه السلام است. راوی [ابوعلی حسین بن محمد بن نصر بن سالم] می گوید: ابوجعفر محمد بن موسی بن جعفر علیهم السلام [موسی مبرقع] اولین نفر از خاندان سادات رضوی است که وارد شهر قم شده است، و همیشه برقع [پوشیه روی صورت] به صورت داشت و عربها [رؤسای عرب] او را از قم اخراج کردند، سپس آنها از ایشان عذرخواهی کردند، و وی را به قم برگرداندند و اکرام نمودند، و از اموالشان برای او منزل و مزارعی خریدند و حال [زندگی] او خوب شد. و از مال خود چند روستا و مزارع دیگری خریداری کرد. پس خواهران او زینب، ام محمد و میمونه دختران امام جواد علیه السلام پیش او آمدند و بعد از آنها بریهیه دختر موسی نیز آمد. پس همه آنها را پیش فاطمه معصومه علیها السلام دفن کردند و محمد بن موسی (۱) شب چهارشنبه هشتم ماه ربیع الآخر از سال ۲۷۶ وفات یافت و او را در جایی که مشهور به «مشهد (۲)» اوست دفن کردند.

ص: ۵۹

---

۱- (۱) صحیح آن موسی بن محمد است.

۲- (۲) خیابان طالقانی (آذر)، چهل اختران.

و از آن مشاهد و قبور، قبر ابوعلی محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام است که در سال ۳۱۵ وفات یافت و او را در مقبره محمد بن موسی دفن کردند.

سپس بسیاری از سادات رضوی، و بسیاری از اولاد محمد بن جعفر الصادق علیه السلام، و بسیاری از نوادگان علی بن جعفر، و قبور کثیری از سادات حسینی را ذکر می کند. و اکثر اهل قم از خاندان اشعریون بودند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «خدایا اشعریون را بیمارز، صغیر آنها و کبیر آنها را». و فرمود: «اشعریون از من هستند و من از آنها هستم».

و احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن خالد، و او از ابوالبختری و او از محمد بن اسحاق و او از زهری روایت می کند که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ازد و اشعریون و کنده از من هستند، عدول نمی کنند [از عقیده و اسلام بر نمی گردند] و هراس ندارند [بد دل نمی شوند]». و به همین اسناد از ابوالبختری و او از زید بن اسلم نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله «هنگامی که جماعت اشعریون پیش آمدند [ایشان را ملاقات کردند] فرمود: «شما مهاجرانی هستید که نسلتان از طریق حضرت اسماعیل به پیامبران می رسد».

صاحب تاریخ قم، روایات زیادی در فضائل اشعریون ذکر کرده و بعد گفته است از مفاخر آنها این است که اولین کسی که تشیع را به قم آورد، موسی بن عبدالله بن سعد اشعری است.

و از فضائل اشعریون این است که امام رضا علیه السلام به زکریا بن آدم بن عبدالله سعد اشعری فرمود: «همانا خداوند بلا را از شهر قم به واسطه تو دفع می کند، هم چنان که بلا را از اهل بغداد به واسطه قبر موسی بن جعفر علیهما السلام دفع

و از آن فضائل اینکه آنها [اشعریون] باغ ها و مزارع زیادی وقف ائمه علیهم السلام کردند. و از آن فضائل اینکه آنها اولین کسانی بودند که خمس را برای ائمه علیهم السلام می فرستادند.

و از دیگر فضائل آنها اینکه، ائمه علیهم السلام جمعی زیادی از اشعریان را گرامی داشتند و برای آنها هدایا و تحف، و برای بعضی ها کفن فرستادند. مثل ابو جریر زکریا بن ادريس، و زکریا بن آدم، و عیسی بن عبدالله بن سعد، و غیر آنها که با نام بردن اسامی آنها کلام طولانی می شود. و بعضی از آنها به انگشترها و لباس ها و این که آنها از دعبل خزاعی لباس امام رضا علیه السلام را به هزار دینار طلا خریدند. [یعنی از باب تبرک و تیمن و بعد معنوی خریدند].

و از فضایل آنها این که امام صادق علیه السلام به عمران بن عبدالله فرمود: «خداوند تو را در سایه رحمت خود قرار دهد در روزی که هیچ سایه ای جز سایه رحمت او نباشد».

آن چه را که از تاریخ قم استخراج کردم، به پایان رسید و این مطالبی است که در بحارالانوار و کتب مختلف دیگر از مصنفات امامیه، ذکر شده است (۱).

ص: ۶۱

---

۱- (۱) مرحوم مجلسی در کتاب بحارالانوار، مطالبی را از تاریخ قم آورده بود که در لابه لای این مطالب روایات و احادیثی به خصوص در فضیلت اشعریون وجود دارد و این مطالب را مرحوم سیدمحمد مهدی حسینی نیز در نسخه خطی خودشان آورده بودند که ما هم عیناً همه ی مطالب را به فارسی برگرداندیم.

۳۲. فمنها ما فى علل الشرايع من مصنفات شيخنا - رئيس الموحدين - محمد بن علي بن بابويه القمي فى العلل، عن علي بن عبدالله، عن احمد بن محمد بن عيسى (١)، و الفضل بن عامر، عن سليمان بن مقبل، عن محمد بن زياد الازدى، عن عيسى بن عبدالله الاشعري، عن الصادق (٢) عليه السلام قال: حدثني ابي عن جدى (٣) عليه السلام، قال (٤) رسول الله صلى الله عليه وآله: لما اسرى بى الى السماء؛ حملنى جبرئيل الى كتفه الايسر (٥)، فنظرت الى بقعه بارض الجبل حمراء احسن لونا من الزعفران، و اطيب ريحاً من المسك، فاذا فيها شيخ على راسه برنس! فقلت لجبرئيل: ما هذه البقعه الحمراء التى هى احسن لونا من الزعفران، و اطيب ريحا من المسك؟ قال: بقعه شيعتك و شيعه وصيكت على، فقلت: من الشيخ صاحب البرنس؟ قال: ابليس عليه اللعنه (٦)، قلت: فما يريد منهم؟ قال: يريد ان يصدّهم من (٧) ولايه امير المؤمنين عليه السلام و يدعوهم الى الفسق و الفجور! فقلت: يا جبرئيل اهوبنا (٨) اليهم، فاهوى بنا اليهم اسرع من البرق الخاطف و البصر اللامح، فقلت: قم يا معلون! فشارك اعدائهم فى اموالهم و اولادهم و نسائهم،

ص: ٦٢

١- (١) فى بحار الانوار: الوراق، عن سعد، عن ابن عيسى.

٢- (٢) فى بحار الانوار: الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام.

٣- (٣) فى علل الشرايع؛ عن ابيه عليهم السلام.

٤- (٤) فى علل الشرايع و بحار الانوار: قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله.

٥- (٥) فى علل الشرايع و بحار الانوار: الايمن.

٦- (٦) فى علل الشرايع و بحار الانوار: ابليس.

٧- (٧) فى علل الشرايع و بحار الانوار: عن.

٨- (٨) فى علل الشرايع و بحار الانوار: اهوبنا.

فان شيعتی و شيعه علی لیس لک علیهم سلطان، فسّمیت قم (۱).

از آن روایات، روایتی است که در علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه قمی از امام صادق علیه السلام آمده که می فرماید: پدرم روایت کرد از جدش و او از پدرش و او از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: هنگامی که مرا به آسمان بردند [معراج رفتم] بر شانه جبرئیل بودم، نگاهم به سرزمینی افتاد که رنگی سرخ و زیباتر از زعفران و خوشبوتر از مشک داشت. پیری دیدم که بر سرش کلاه درازی داشت. به جبرئیل گفتم: این سرزمین زیبا که رنگ آن در سرخی از زعفران زیباتر و بوی آن از مشک خوشبوتر است کجاست؟ جبرئیل گفت: سرزمین پیروان تو و پیروان وصی تو علی علیه السلام است. گفتم: پیر صاحب کلاه کیست؟ گفت: این ابلیس علیه اللعنه است. گفتم: از آنها چه می خواهد؟ گفت: می خواهد آنها از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام باز دارد و آنان را به فسق و فجور [گناه و عصیان] دعوت کند. گفتم: ای جبرئیل مرا به سوی او پایین ببر؛ پس با سرعت زیاد، تندتر از برق و در یک چشم به هم زدن، مرا به پایین برد.

گفتم: ای ملعون بلند شو، و برو با دشمنان آنها [ائمه علیهم السلام] در اموال و اولاد و زنان شریک شو، همانا تو بر پیروان من و پیروان، علی تسلط نخواهی داشت، به این علت و جهت آن جا «قم» نامیده شد.

به ابلیس گفتا شه دین که: قم از این بقعه، ملعون تو می باش گم

به «قم» گفتن سید المرسلین مسمی به «قم» گشت این سرزمین (۲).

ص: ۶۳

۱- (۱) علل الشرایع، ۱۹۱؛ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۴۰۷، ح ۱۱۵؛ همان، ج ۶۰، ص ۲۱۸، ح ۴۸؛ تاریخ قم، صص ۱۳۶-۱۳۵.

۲- (۲) انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۶۷.



۳۳. الاختصاص روى عن على بن محمد العسكري عليه السلام، عن ابيه، عن جدّه، عن امير المؤمنين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا اسرى بى الى السماء الرَّابِعِ؛ نظرت الى قبه من لؤلؤء لها اربعة اركان، و اربعة ابواب كلّها من استبرق اخضر، قلت: يا جبرئيل! ما هذه البقعه (۱) التي لم ار فى السماء الرَّابِعِ احسن منها؟ فقال حبيبي (۲) هذه صورته مدینه يقال لها قم، يجتمع فيها عباد الله المؤمنون، ينتظرون محمداً و شفاعة للقيامة و الحساب، يجرى عليهم الغمّ و الهمّ و الاحزان و المكاره. قال: و سألت على بن محمد العسكري عليه السلام متى ينتظرون الفرج؟ قال: اذا ظهر الماء على وجه الارض. (۳)

امام دهم على بن محمد عليهما السلام از پدرش و او نیز از جدّش و او از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی که به آسمانها سیر می کردم،

ص: ۶۴

۱- (۱) فى الاختصاص: القبّه.

۲- (۲) فى الاختصاص و بحار الأنوار: حبيبي محمد.

۳- (۳). الاختصاص، صص ۱۰۱-۱۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۱۱، ح ۲۱؛ همان، ج ۶۰، ص ۲۰۷؛ تاریخ قم، ص ۱۴۱.

در آسمان چهارم گنبدی از لؤلؤ دیدم که چهار ستون و چهار در، مانند استبرق سبز داشت. گفتم: ای جبرئیل، این جایی که بهتر از آن در آسمان چهارم ندیده ام کجاست؟ گفت: ای دوست من [دوست من محمد صلی الله علیه و آله] این صورت شهری است که به آن «قم» می گویند، بندگان مؤمن خدا در آن جمع شده، منتظر محمد و شفاعت او در قیامت و روز حساب می شوند. بر آنها غم و همّ و حزن و ناراحتی جاری خواهد شد. راوی می گوید: به حضرت علیه السلام عرض کردم: تا چه موقع انتظار فرج داشته باشند؟ امام علیه السلام فرمود: تا زمانی که آب بر روی زمین ظاهر گردد.

### قم اهل بیت نجبا

۳۴. الکشی عن محمد بن مسعود و علی بن محمد معاً (۱)، عن الحسین بن عبدالله، عن عبدالله بن محمد بن علی، عن احمد بن حمزه، عن عمران القمّی، عن حماد الباب (۲) قال: کُنّا عند ابي عبدالله عليه السلام - و نحن جماعه - اذ دخل عليه عمران بن عبدالله القمّی فساله و برّه و بشه (۳)، فلما ان قام قلت لابي عبدالله عليه السلام - من هذا الذی بررت (۴) هذا البرّ؟ فقال (۵): من اهل بيت النجباء (۶) یعنی اهل قم، ما ارادهم جباراً من الجباره الا قصمه الله. (۷)

کشی از حماد باب، نقل کرده و می گوید: جماعتی نزد امام صادق علیه السلام

ص: ۶۵

۱- (۱) فی بحارالانوار: ابن قولویه، عن العیاشی، عن ابيه عن علی بن محمد.

۲- (۲) فی بحارالانوار: الثّاب.

۳- (۳) فی بحارالانوار فی هامشه: بشه: ای ابتش به بال سرو فرح به و اقبل علیه بطاقه وجه.

۴- (۴) فی رجال الکشی و بحارالانوار: بررته.

۵- (۵) فی رجال الکشی و بحارالانوار: فقال هذا.

۶- (۶) فی رجال الکشی و بحارالانوار: النجباء ما ارادهم.

۷- (۷) رجال کشی، ص ۳۳۳؛ بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۳۳۵، ح ۶.

بودیم که عمران بن عبدالله قمی بر حضرت علیه السلام وارد شد. حضرت با خوش رویی و مهربانی از او احوال پرسسی کرد. وقتی او برخاست به حضرت عرض کردم: این شخص چه کسی است که این همه به او نیکی و مهربانی کردی؟ حضرت علیه السلام فرمود: از اهل بیت نجباء؛ یعنی اهل «قم» است، اگر ظالمی از جباران قصد بدی به آنان داشته باشد خداوند او را شکست می دهد.

### قم اقامتگاه نجبا

۳۵. و منه بهذا الاسناد عن احمد بن حمزه، عن المرزبان بن عمران، عن ابان بن عثمان، قال: دخل عمران بن عبدالله (۱) علی ابی عبدالله علیه السلام، فقربه ابو عبدالله، فقال له: کیف انت و کیف ولدك و کیف اهلك و کیف بنو عمك و کیف اهل بیتك؟ ثم حدثه ملیناً فلما خرج قيل لابی عبدالله علیه السلام: من هذا؟ قال: هذا نجیب قوم النجباء، ما نصب لهم جباراً الا قصیه الله قال حسین: عرضت هذین الحدیثین علی احمد بن حمزه فقال: اعرفهما و لا احفظ من رواهما (۲). (۳)

کشی به همین اسناد از ابان بن عثمان روایتی نقل می کند و می گوید: عمران بن عبدالله به محضر امام صادق علیه السلام وارد شد. حضرت علیه السلام او را به نزدیک خواند. [از او خواست که نزدیک امام بنشیند] امام علیه السلام به او فرمود:

ص: ۶۶

---

۱- (۱) رجال الکشی: عمران بن عبدالله القمی.

۲- (۲) رجال الکشی: رواهما لی.

۳- (۳) رجال الکشی، ص ۳۳۳.

خودت چطوری، پسرت چطور است، اهل شما چطور، و پسر عمویت چطور است و اهل بیت شما چطور است؟ [حضرت احوال همه بستگان و اهل شهر را پرسید] بعد حضرت خیلی نرم و مهربان با او صحبت کرد، و زمانی که خارج شد، از حضرت علیه السلام سؤال شد: این شخص چه کسی بود؟ حضرت فرمود: این نجیب قوم نجباء بود. و هرگز ستمکاری به آنها نخواهد رسید، مگر اینکه خداوند او را به سزای عمل برساند. حسین می گوید: این دو روایت را به احمد بن حمزه عرضه کردم و او گفت: این دو روایت را می شناسم [می دانم]، ولی حفظ نیستم که چه کسی آن دو را روایت کرده است.

۳۶. و روی القاضی نورالله التستری [قدس الله روحه] فی کتاب مجالس المؤمنین عن الصادق علیه السلام انه قال: انّ (۱) الله حرما و هو مکه، الا انّ لرسول الله صلی الله علیه و آله حرما و هو المدینه، الا انّ لامیر المؤمنین علیه السلام حرما و هو الکوفه (۲)، الا انّ قم الکوفه الصغیره الا- انّ للجنّه ثمانیه ابواب ثلاثه منها الی قم، تقبض فیها امرئه (۳) من اولادی (۴)، هی من ولدی (۵)، اسمها: فاطمه بنت موسی؛ و تدخل بشفاعتها شیعتی الجنّه باجمعهم. (۶)

قاضی نورالله شوشتری در کتاب «مجالس المؤمنین» روایت کرده امام صادق علیه السلام فرمود: همانا برای خدا حرمی است و آن مکه معظمه است؛ و آگاه باشید که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه منوره؛ است، و بدانید و آگاه باشید که برای امیر المؤمنین حرمی است و آن کوفه است. آگاه باشید که حرم من و حرم اولاد بعد از من قم است. بدانید قم، کوفه صغیره است، پس بدانید بهشت هشت در دارد و سه در از آن هشت در به قم باز می شود. دختری از اولاد من به نام فاطمه دختر موسی بن جعفر در آن شهر قبض روح [فوت] می شود و به شفاعت او تمام شیعیان وارد بهشت می شوند.

ص: ۶۸

۱- (۱) مجالس المؤمنین: الا انّ الله.

۲- (۲) مجالس المؤمنین: الا انّ حرمی و حرم ولدی من بعدی قم.

۳- (۳) مجالس المؤمنین: هی.

۴- (۴) فی بحار الأنوار: ولدی.

۵- (۵) مجالس المؤمنین: امرأه هی من ولدی و اسمها.

۶- (۶) بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۵۹؛ مجالس المؤمنین، ص ۸۳.

## بهشت برای زائرین حضرت معصومه علیها السلام

۳۷. و عن سعد بن سعد، عن الرضا عليه السلام قال: يا سعد من زارها فله الجنة (۱).

سعد بن سعد از امام رضا علیه السلام نقل کرده که آن حضرت می فرماید: کسی که او [فاطمه معصومه] را زیارت کند برای او بهشت است.

## قم، محلی امن

۳۸. و عنه عليه السلام قال: اذا عمّت البلدان الفتن و البلايا؛ فعليكم بقم و حواشيها و نواحيها، فانّ البلايا مدفوع (۲) عنهما (۳). (۴)  
از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: هر گاه شهرها را بلا و فتنه فرا گرفت، به قم و اطراف و نواحی آن، پناه ببرید. همانا بلا از آن [آن دو، قم و نواحی] دفع شده است.

## سه در از بهشت برای اهل قم

۳۹. و عن الرضا عليه السلام قال: للجنة ثمانية ابواب فتلاثة منها لاهل قم، فطوبى لهم ثم طوبى لهم (۵).

امام رضا علیه السلام فرمود: برای بهشت هشت در است، پس سه تا از آنها برای اهل قم است، خوشا به حالشان، خوشا به حالشان.

ص: ۶۹

۱- (۱) بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۶۰.

۲- (۲) فی هامش بحار الانوار: والظاهر «مدفوعه».

۳- (۳) فی مجالس المؤمنین و بحار الانوار: عنها.

۴- (۴) بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۶۱.

۵- (۵) بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۶۲.

۴۰. و عن امیرالمؤمنین علیه السلام أنه قال: صلوات (۱) الله على اهل قم (۲)، سقى الله بلادهم الغيث، و ينزل عليهم البركات، و يبذل الله سيئاتهم حسنات، هم اهل ركوع و سجود و قيام و قعود (۳)، هم الفقهاء العلماء الفهماء، هم اهل الديانة و الروايه (۴) و حسن العباده (۵).

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که فرمود: سلام و صلوات خدا بر اهل قم باد، خداوند شهر آنها را از باران رحمت سیراب گرداند و برکاتش را بر آنها نازل فرماید و گناهانشان را به حسنات تبدیل نماید، آنها اهل رکوع و سجود و قیام و قعود هستند. آنها فقیه و عالم و فهیم هستند، و آنان اهل درایت و روایت و حسن عبادت اند.

ص: ۷۰

---

۱- (۱) مجالس المؤمنین؛ سلام الله و رحمه الله على اهل قم.

۲- (۲) فی بحارالانوار: و رحمه الله على اهل قم.

۳- (۳) مجالس المؤمنین؛ هم اهل ركوع و خشوع و سجود و قیام و صیام.

۴- (۴) مجالس المؤمنین؛ هم اهل الدین و الولایه و العباده و حسن العباده.

۵- (۵) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۶۳ و ص ۲۱۷، ح ۴۶ دون «رحمه الله على اهل قم».

۴۱. و روی شیخ الاجل عبدالجلیل الرّازی - فی کتاب النّقض (۱) - باسناده عن النّبی صلی الله علیه و آله قال: لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ مَرَرْتُ بَارِضَ بَيْضَاءَ كَافُورِيَّةٍ، شَمَمْتُ مِنْهُ (۲) رَائِحَةَ طَيِّبَةٍ، فَقُلْتُ: يَا جِبْرَائِيلُ مَا هَذِهِ الْبَقْعَةُ؟ قَالَ: يُقَالُ لَهَا «آبَهُ» عَرَضْتُ لَهَا (۳) رِسَالَتَكَ وَوَلَايَةَ ذُرِّيَّتِكَ، فَقَبَلْتُ، وَ إِنَّ اللَّهَ يَخْلُقُ مِنْهُ (۴) رِجَالًا - يَتَوَلَّوْنَكَ وَ يَتَوَلَّوْنَ ذُرِّيَّتَكَ، فَتَبَارَكَ اللَّهُ فِيهَا (۵) وَ عَلِيٌّ أَهْلُهَا. (۶)

شیخ عبدالجلیل رازی در کتاب «النقض» روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هنگام معراج به آسمان رفتم و از سرزمین سفید نورانی گذشتم که از آن بوی خوش و طیبی را استشمام کردم. گفتم: یا جبرئیل، این سرزمین [بقعه] کجاست؟ جبرئیل گفت: به آن بقعه «آبه» (۷) می گویند، رسالت شما و ولایت ذریه شما به آن عرضه شده، پس قبول کرده است، و همانا خداوند از آن، مردانی را خلق می کند که ولایت تو و ولایت ذریه ات را می پذیرند. پس مبارک باد بر آن بقعه و اهل آن بقعه [سرزمین] ولایت و موَدّت شما.

ص: ۷۱

۱- (۱) فی بحارالانوار: القصص.

۲- (۲) فی مجالس المؤمنین: منها، و فی بحارالانوار: بها.

۳- (۳) فی مجالس المؤمنین و بحارالانوار: علیها.

۴- (۴) مجالس المؤمنین: منها.

۵- (۵) فی بحارالانوار: علیها.

۶- (۶) بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۶۴.

۷- (۷) آبه که نام امروزی آن «آوه» است از روستاهای بخش جعفریه شهرستان قم می باشد.



۴۲. العیون: عن تمیم بن عبدالله القرشی، عن ایبه، عن احمد بن علی الانصاری، عن ابی الصیلت الهروی، قال: کنت عند ابی عبدالله (۱)، فدخل علیه قومٌ من اهل قم، فسلموا علیه، فردّ علیهم وقربهم، ثم قال لهم: مرحبا بکم واهلک فانتم شیعتنا حقًا، فسیاتی علیکم یوما تزورونی (۲) فیه تربتی بطوس، الافمن زارنی - و هو علی غسل - خرج من ذنوبه کیوم ولدته امه (۳).

از اباصلت هروی نقل شده که می گوید: خدمت امام رضا علیه السلام بودم که عده ای از اهل قم بر آن حضرت وارد شدند. آنها [اهل قم] بر حضرت، سلام دادند و امام علیه السلام جواب سلام آنها را داد، و آنان را نزد خود نشانده؛ سپس به آنان فرمود: مرحبا به شما و خوش آمدید، شما به حقّ، پیروان و شیعیان ما هستید، زمانی بر شما می آید که تربت مرا در طوس زیارت می کنید، آگاه باشید کسی که مرا در حالی که غسل [زیارت] کرده باشد، زیارت کند از گناهانش خارج می شود، مثل روزی که از مادر متولد شده باشد.

ص: ۷۲

---

۱- (۱) فی عیون اخبار الرضا علیه السلام و بحار الانوار: الرضا علیه السلام.

۲- (۲) فی عیون اخبار الرضا علیه السلام و بحار الانوار: یوم تزورن.

۳- (۳) عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹۱، باب ثواب زیاره الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ح ۲۱؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۳۱، ح ۷۲.

۴۳. و منه عن محمد بن احمد الشيباني (۱)، عن محمد بن جعفر الاسدي، عن سهل بن زياد، عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسني، قال: سمعت علي بن محمد العسكري عليه السلام يقول: اهل قم و اهل آبه مغفور لهم، لزيارتهم بجدي (۲) علي بن موسى الرضا بطوس، الا و من زاره فاصابه في طريقه قطره من السماء؛ حرّم الله جسده علي النار (۳).

عبدالعظيم حسني مي گويد: از امام دهم علي بن محمد عسكري عليهم السلام شنيدم كه فرمود: اهل قم و اهل آبه آمرزيده اند، به خاطر اين كه آنان جدم علي بن موسى الرضا عليهم السلام را در طوس زيارت مي كنند، آگاه باش كه هر كس او را زيارت كند و در مسير، قطره اي از آسمان به او برسد، خداوند، جسد او را بر آتش جهنم حرام مي كند.

۴۴. و في تاريخ قم: انه اول من ورد من السادات الرضويه الي قم؛ ابوجعفر محمد بن موسى بن محمد بن علي بن موسى الرضا، و كان وروده اليها من الكوفه سنه ست و خمسين و مائتين، ثم ورد اليها بعده اخواته: زينب و ام محمد و ميمونه بنات موسى بن محمد بن علي بن موسى

ص: ۷۳

---

۱- (۱) في عيون اخبار الرضا عليه السلام و بحار الانوار: السناني.

۲- (۲) في عيون اخبار الرضا عليه السلام و بحار الانوار: لجدي.

۳- (۳) عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۲۹۱، باب ثواب زياره الامام علي بن موسى الرضا عليه السلام، ح ۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۳۱، ح ۷۳.

الرّضا عليه السلام، و توفّي هو في ربيع الآخر سنة ستّ و تسعين و مائتين، و دفن في مدينة المعروف في قم، و توفّت بعده اخته ميمونه، و دفنت بمقبره بابلان بقبه ملصفه لقبه السّتّ فاطمه عليها السلام. و اما امّ محمّد؛ فمدفونه في القبّه الّتي فيها السّتّ فاطمه بجنب ضريحها، و في تلك القبّه - ايضاً - قبر امّ اسحاق جاريه محمّد بن موسى، ففي هذه القبّه المقدّسه ثلثه قبور: قبر السّيت فاطمه عليها السلام، و قبر امّ محمّد، و قبر امّ اسحاق جاريه محمّد بن موسى رحمهم الله (1).

حرّره العبد الجاني علي اكبر سنه ۱۲۷۵

در (۲) تاريخ قم آمده است که اولین کسی که از سادات رضوی به قم وارد شد، ابوجعفر محمد بن موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام است. سال ورود او به قم از کوفه در سال ۲۵۶ قمری است و پس از او خواهرانش وارد قم شدند، و آنها عبارتند از: زینب و ام محمد و ميمونه، دختران موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام. و او [محمد بن موسی] در ربيع الآخر سال ۲۹۶ ق وفات یافت و او را در سرايي معروف او را دفن کردند. و بعد از او خواهرش ميمونه وفات کرد و او را در بابلان، الصاق [متصل] به بقعه حضرت

ص: ۷۴

---

۱- (۱) تاريخ قم، ص ۳۱۴، مع الاختلاف في المتن. (فقره آخر روایت نمی باشد بلکه يك مطلب تاریخی است که مرحوم مؤلف آورده اند).

۲- (۲) این مطلب را مرحوم مجلسی نیز از کتاب تاريخ قم نقل نموده است.

فاطمه معصومه علیها السلام دفن کردند.

و اما امّ محمد، محل دفن او زیر گنبدی که فاطمه معصومه علیها السلام در آن دفن است، و ام محمد در جوار ضریح حضرت معصومه علیها السلام می باشد و در این قبه [گنبد] نیز قبه ی ام اسحاق، جاریه محمد بن موسی می باشد. پس در این گنبد مقدسه سه قبر است: قبر سید فاطمه علیها السلام و قبر ام محمد، و قبر ام اسحاق جاریه محمد بن موسی. رحمت الهی بر همه آنها باد.

این را علی اکبر [فیض] در سال ۱۲۷۵. ق. نوشته است.

ص: ۷۵



۱. قرآن کریم
۲. الاختصاص، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳. انوارالمشعشعین، کچوئی قمی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۱ ش.
۴. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۵. ترجمه تاریخ قم، حسن بن حسن، آستانه مقدسه، قم، ۱۳۸۵ ش.
۶. خلاصه البلدان، صفی الدین محمد بن محمد هاشم حسینی قمی، بی تا.
۷. الذریعه، آقا بزرگ تهرانی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۸. رجال کشی، کشی، دانشگاه مفید، ۱۳۴۸ ش.
۹. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوه، ۱۴۱۶ ق.
۱۰. علل الشرایع، شیخ صدوق، مکتبه الداوری، قم، بی تا.
۱۱. عیون اخبارالرضا، انتشارات ذوی القربی، ۱۴۲۷ ق.
۱۲. کتاب فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه، رضا استادی.
۱۳. کتاب شناسی آثار مربوط به قم، مدرسی طباطبایی، حکمت، قم، ۱۳۵۳ ش.
۱۴. مجالس المؤمنین، شوشتری، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۵۴ ش.
۱۵. نسخه خطی ۲۰۳۸ - فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه - رضا استادی.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

